

سرمقاله

همبستگی مردم جهان با مقاومت خلق فلسطین و افشای چهره جنایتکار امپریالیسم و صهیونیسم

(اشرف دهقانی)

... بر کسی پوشیده نیست که یکی از دلایل مهم دست یازیدن امپریالیسم آمریکا و شرکاء به جنگ چه به طور مستقیم و چه توسط سگهای زنجیریشان نظیر دولت اسرائیل، به طور کلی رونق دادن به صنایع نظامی خود در جهت رفع بحرانهای اقتصادی گریبانگیر سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی حاکم می‌باشد. اما آیا این تنها دلیل تحمل جنگ در ابعاد توصیف شده به مردم غزه می‌باشد؟ در رابطه با جنگ ارتجاعی اخیر به این نکته هم باید توجه داشت که در نوار غزه ذخایر عظیم گاز وجود دارد. این ذخایر اگر چه حدوداً ۲۴ سال پیش کشف شده است ولی با توجه به مناقشات موجود در این منطقه، دولت اسرائیل امکان دستیابی به این ذخایر را به طور مستقیم نداشته است و این منابع تاکنون مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند....

در صفحه ۲

در دست انتشار

بررسی زمینه ضربات

سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵

و

ناگفته‌هایی از

تاریخ چریکهای فدائی خلق ایران

اشرف دهقانی

مصاحبه تلویزیون برابری با رفیق فریبرز سنجری درباره نسل‌کشی اسرائیل در غزه!

... اولاً اینکه چریکهای فدائی خلق با جنبش فلسطین با سازمانهای چپ فلسطینی رابطه داشته مثلاً رفیق علی اکبر صفایی فراهانی، محمد صفایی آشتیانی، ایرج سپهری آن‌ها همه در آنجا در جنگ فلسطین علیه اسرائیل نقش داشتند واقعیتیه ولی خب در ۵۰ سال گذشته وضع فرق کرده البته اینکه مثلاً اسلام گراها رشد کردند در فلسطین و یا اینکه حتی به قول معروف دولت خود گردان که ایجاد شده بیشتر نقشش شده امنیت اسرائیل را بوجود آوردن این‌ها نشون دهنده تحولاتی است که رخ داده، گرچه ما نباید فراموش کنیم که این تحولات صرفاً مال فلسطین هم نیست ما شاهد این تحولات در همه جا هستیم. در کشور خودمان هم هستیم. ما وقتی جمهوری اسلامی در ۱۳۵۷ برای سرکوب انقلاب ایران در گوادلوپ روی کار آوردنش خب این جمهوری اسلامی بمتابه پدر خونده بنیاد گر اسلامی سرکوب های وحشیانه ای کرده که یک نسل کشی از کمونیست‌ها به پیش برده که یکی از جلوه هاش هم کشتارهای دهه ۶۰ و بعد هم قتل عام زندانیان سیاسی در دهه ۶۷ است. در نتیجه مسأله فقط فلسطین نیست گرچه در فلسطین هم این واقعیت رخ داده که دوتا مسأله را باید توجه کرد....

صفحه ۵

"افغان ستیزی"، جلوه‌ای از

ماهیت فاشیستی و ضد خلقی

جمهوری اسلامی!

... عوامل رژیم و رسانه های وابسته در تلاش هستند که با فریب و ایجاد اختلاف و نزاع در بین توده‌های تحت ستم ایران و کارگران و زحمتکشان افغانستانی، افغان ستیزی را به فرهنگی رایج در جامعه تبدیل کنند. حقیقت این است که کارگران و پناهجویان در طول سالیان اقامت شان در ایران در زیر فشار رژیم جمهوری اسلامی از بیشترین خشونت ها، تبعیض ها، ستم ها و غیره رنج برده اند. اما سردمداران رژیم حاکم بر آنند که تمام مصائب و مشکلات جامعه مانند بیکاری، کمبود مسکن، افزایش جرم و جنایت، افزایش قیمت نان و هزینه زندگی را به گردن ستمدیدگان افغانستانی بیندازند... صفحه ۱۶

گفتگو با سعید قهرمانی

درباره‌ی چگونگی شکل گیری

چریکهای فدائی خلق (۳)

... یکی از کسانی که از مشهد دستگیر شده بود... و اینجا باید بگویم خیلی ها از مشهد بی ربط هم دستگیر شده بودند، فقط به خاطر این که مثلاً دیده شده بود که با پویان نشسته اند و گفته اند و خندیده اند، یا بحث کرده اند با یکی از رفقا. یکی از این ها کسی بود به نام رضا مصباحی، که خیلی هم بچه ی ساده و مهربان و انسان خیلی خوبی بود، همکلاسی بهمین آژنگ بود ولی اصلاً سیاسی نبود، و این دوست را هم گرفته بودند و در زندان اوین و جمشیدیه هم با ما بود. من را با رضا مصباحی بردند دادگاه. یادم هست در مرحله ای که ما را به دادسرای ارتش می بردند، آنجا من به افسری گفتم که این دوست ما هیچ کاری نکرده.... صفحه ۹

در صفحات دیگر

- قتل آرمیتای ۱۶ ساله، جنایت جدید رژیم کودک‌کش جمهوری اسلامی!..... ۴
- مردم فلسطین در تقابل با صهیونیسم و بنیادگرایی اسلامی... ۱۲
- چند گزارش از آکسیونهای مبارزاتی فعالین سازمان در سوئد، انگلستان و هلند در دفاع از مردم فلسطین..... در صفحات ۱۸ تا ۲۰

اشرف دهقانی

همبستگی مردم جهان با مقاومت خلق فلسطین و افشای چهره جنایتکار

امپریالیسم و صهیونیسم



چهره دولت اسرائیل و همکاری امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیست‌های غرب که با وقاحت تمام بر تداوم جنگ علیه مردم غزه پا فشرده و در رسانه‌های خود با قلب حقایق آشکار دروغ تحویل مردم می‌دهند، جز چهره‌ای به غایت ارتجاعی و وحشی با دستانی آغشته به خون نمی‌بینند و خشم و نفرت خود را نثار آنها می‌کنند.

اما به راستی اشغال غزه از چه اهمیتی برای دولت صهیونیست اسرائیل و امپریالیسم آمریکا برخوردار است که حتی به قیمت برملا شدن هرچه آشکارتر چهره خونبار خود، دست به جنایاتی فاجعه آمیز در ابعادی که مردم هشیار جهان را علیه خود برانگیخته، زده است؟ بر کسی پوشیده نیست که یکی از دلایل مهم دست یازیدن امپریالیسم آمریکا و شرکاء به جنگ چه به طور مستقیم و چه توسط سگهای زنجیریشان نظیر دولت اسرائیل، به‌طور کلی رونق دادن به صنایع نظامی خود در جهت رفع بحران‌های اقتصادی گریبانگیر سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی حاکم می‌باشد. اما آیا این تنها دلیل تحمیل جنگ در ابعاد توصیف شده به مردم غزه می‌باشد؟ در رابطه با جنگ ارتجاعی اخیر به این نکته هم باید توجه داشت که در نوار غزه ذخایر عظیم گاز وجود دارد. این ذخایر اگر چه حدوداً ۲۴ سال پیش کشف شده است ولی با توجه به مناقشات موجود در این منطقه، دولت اسرائیل امکان دستیابی به این ذخایر را به طور مستقیم نداشته است و این منابع تاکنون مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. این امر که اسرائیل با اقدام به کشتار و کوچاندن فلسطینی‌ها از نوار غزه در صد اشغال کامل این منطقه و ایجاد منطقه‌ای امن برای بهره‌برداری از منابع دست نخورده گاز و دیگر منابع و ثروت‌های موجود در نوار غزه می‌باشد یکی از دلایل

امروز دولت اسرائیل با همکاری و حمایت امپریالیسم آمریکا که تسلیحات و بودجه لازم برای قتل عام فلسطینی‌های ساکن غزه را در اختیارش قرار داده و می‌دهد، در صد اشغال کامل نوار غزه برآمده است. جاری کردن دریائی از خون در غزه، به جا گذاشتن تلنباری از اجساد له شده و هزاران کودک و زن و مرد در زیر آوار مانده از بمباران‌های پی‌درپی، کودکان لت و پار شده و کودکان جان به در برده از میان دهشت و وحشت با تن‌های زخمی و لرزان، کودکانی که هنوز زندگی را تجربه نکرده دچار شوک شدن از دیدن صحنه‌های دهشتناک قتل و جنایت را تجربه می‌کنند و ... آفریدن صحنه‌های بسیار دلخراش و دردناک دیگر از جمله اعمال وحشیانه‌ای است که توسط ارتش اسرائیل جهت خالی کردن سکنه فلسطینی از غزه و تصرف کامل این سرزمین صورت گرفته و می‌گیرد. به راستی که این ارتش در ارتکاب به جنایت روی لشکریان جنایتکار هیتلر را سفید کرده است.

بر اساس گزارش خبرگزاری‌ها مجموعه بمب‌هائی که ارتش اسرائیل در جریان جنگ خود با فلسطینی‌های ساکن غزه بر سر آنها فرود آورده است به لحاظ ویران‌گری و به جای گذاشتن یک زمین سوخته در غزه تقریباً برابر با دو بمب اتمی است که آمریکا در سال ۱۹۴۵ در دو شهر ژاپن (هیروشیما و ناگاساکی) به کار برد. اکنون، رقم کشته شدگان فلسطینی توسط ارتش جنایتکار اسرائیل از مرز دوازده هزار نفر گذشته است که حدود پنج هزار نفر از آنها کودک می‌باشند.

با مشاهده سبعت این ارتش ضد خلقی، مردم آزادیخواه جهان و همه آنهائی که انسانیت در وجودشان زنده است امروز در

دولت صهیونیست اسرائیل با همکاری مستقیم امپریالیسم آمریکا و پشتیبانی دیگر امپریالیست‌های غربی همچنان مشغول پیشبرد جنایتی وحشیانه و بسیار فجیع علیه مردان و زنان و کودکان فلسطینی در منطقه نوار غزه می‌باشد. ارتش این دولت با چنان سبعتی به کشتار مردم غیرنظامی و بی‌دفاع فلسطینی مشغول است که شرح هر گوشه از این جنایات فاجعه‌بار از بمباران خانه و کاشانه مردم و مدفون کردن کودک و بزرگسال در زیر آواری از سنگ و خاک گرفته تا بمباران مدارس و بیمارستان‌ها و به قتل رساندن کودکان، تا پرتاب موشک به آمبولانس‌ها، تا ارتکاب به جنایتی که "مجازات دسته جمعی" فلسطینی‌های ساکن غزه نام گرفته و معنی آن در عمل یعنی جلوگیری از دستیابی به آب و مواد غذایی و هر آنچه برای معیشت و ادامه زندگی ضروری است و حتی محروم کردن بیماران در بیمارستان‌ها از دسترسی به دارو و ملزومات ضروری و همچنین شراکت‌ها و وحشیگری‌های دیگر و از جمله استفاده از گاز فسفر در جنگ علیه مردم - بیانگر ارتکاب دولت نژادپرست اسرائیل به جنایاتی می‌باشد که در قوانین بین‌المللی و در عرف مردم جهان به مثابه جنایت جنگی شمرده می‌شود.

با این که دولت اسرائیل در طی ۷۵ سال به مثابه یک دولت اشغالگر بارها و بارها با ارتکاب به وحشیانه‌ترین اعمال، مردم فلسطین را از خانه و کاشانه خود بیرون رانده و سرزمین آنها را به اشغال خود در آورده است، اما دست یازیدن صهیونیست‌ها به یک نسل‌کشی فجیع از مردم فلسطین که امروز در مقابل چشمان مردم جهان صورت می‌گیرد، از چنان ابعاد جنایتکارانه‌ای برخوردار است که پیش از این در این شدت و وسعت سابقه نداشت.

آنند که در تصور بسیاری از مقامات دولت‌های مرتجع می‌گنجید. این مقامات در آمریکا و کشورهای اروپائی انتظار اینهمه مخالفت از جانب مردم تحت سلطه خود را نداشتند. در شهرهای مختلف آمریکا از شیکاگو و نیویورک گرفته تا واشنگتن در مخالفت با نسل‌کشی در غزه تظاهرات‌های گسترده‌ای برپا شد. در واشنگتن مردم معترض آزادیخواه با خواست آتش‌بس حتی سخن‌کنگره آمریکا را اشغال کردند. دانشجویان و دانش‌آموزان مبارز هزاروارده صحنه‌های پرشکوهی از همدردی خود با توده فلسطینی در غزه به نمایش گذاشته و خشم و نفرت خود از امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم را فریاد زدند. در شهرهای مختلف اروپا مردم هشیار و آزادیخواه با برپائی تظاهرات چند صد هزار نفری (تخمین زده شده است که در دومین تظاهرات بزرگ لندن نزدیک به یک میلیون نفر شرکت کردند) ضمن محکوم کردن نسل‌کشی دولت اسرائیل و حمایت از خلق فلسطین، خواستار آتش‌بس و پایان دادن به نابودی ("پاک‌سازی قومی") فلسطینی‌ها شدند. مردم شجاع و آگاه فرانسه در شرایطی که پلیس با دست زدن به خشونت مانع از برپائی تظاهرات گسترده از جمله در پاریس علیه دولت اسرائیل و در حمایت از توده‌های فلسطینی در غزه گردید به درگیری با آنها پرداخته و پلیس و دولت فرانسه را همدست قاتلین مردم فلسطین خواندند. در افشای تبلیغات دروغین رسانه‌های ارتجاعی که سعی دارند یهودی بودن را همسان با صهیونیست بودن جا بزنند، در آمریکا و در برخی از شهرهای اروپا از جمله در لندن و برلین مردم آزادیخواه یهود با برپائی تظاهرات و سخنرانی‌های خود نفرت خویش از دولت صهیونیستی کودک‌کش اسرائیل را نشان داده و فریاد زدند که جنایات خود را به نام ما (یهودی‌ها) انجام ندهید. این معترضین با حمل پلاکارد و طی سخنرانی‌های آگاه‌گرانه، اشغال ۷۵ ساله فلسطین توسط صهیونیست‌های اسرائیل را نیز محکوم می‌کنند.

برپا شدن تظاهرات پرشور مردمی در اقصی نقاط جهان و متن پلاکاردها و شعارهای سر داده شده در آنها و اعمال مبارزاتی دیگر و از جمله اعتراض و افشاکاری‌های ستایش آمیز پزشکان و دیگر کارکنان درمان در غزه بیانگر زنده بودن انسانیت و خشم و نفرت عمومی از اعمال شدیداً غیر انسانی دولت و ارتش اسرائیل می‌باشد. همچنین این عملکردها از یک طرف رشد آگاهی انقلابی مردم اروپا و آمریکا نسبت به عملکرد و ماهیت حاکمین امپریالیست را آشکار ساخت و از طرف دیگر نشان داد که مردم هشیار و آگاه این کشورها تا چه حد با دولت‌های امپریالیستی غرب مخالف بوده و با آنها زاویه دارند، با حاکمین امپریالیستی که علیرغم

اما به راستی اشغال غزه از چه اهمیتی برای دولت صهیونیست اسرائیل و امپریالیسم آمریکا برخوردار است که حتی به قیمت برملا شدن هرچه آشکارتر چهره خونبار خود، دست به جنایاتی فاجعه آمیز در ابغادی که مردم هشیار جهان را علیه خود برانگیخته، زده است؟ بر کسی پوشیده نیست که یکی از دلایل مهم دست یازیدن امپریالیسم آمریکا و شرکاء به جنگ چه به طور مستقیم و چه توسط سگهای زنجیریشان نظیر دولت اسرائیل، به طور کلی رونق دادن به صنایع نظامی خود در جهت رفع بحران‌های اقتصادی گریبان‌گیر سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی حاکم می‌باشد. در رابطه با جنگ ارتجاعی اخیر به این نکته هم باید توجه داشت که در نوار غزه ذخایر عظیم گاز وجود دارد.

جمهوری اسلامی را در داخل خاک ایران به قتل رسانده و مدعی شود که به پرونده‌های اتمی این رژیم هم دست یافته است، همان نیروی امنیتی که توانست از طریق جاسوس خود، کاترین پرز شکدم، ۱۰۰ مقام برجسته جمهوری اسلامی را به دام بیندازد و... پس چرا این‌بار تحرکات حماس برای حمله به اسرائیل را در دو قدمی خود تشخیص نداد؟ در این مورد باید توجه داشت که مطابق گزارش مطبوعات، سطح تجهیزات الکترونیکی تجسوسی و جاسوسی به کار رفته در مرز غزه یعنی در دیوار حائل با مواضع اسرائیل آنقدر پیشرفته است که ادعا می‌شد حتی پرواز یک "پرنده" بر روی این دیوار و یا نزدیک شدن یک "سوسک" به پای دیوار نیز قابل رهگیری می‌باشد. بنابراین یورش بی سابقه حماس به این نواحی که خود مستلزم یک کار تدارکاتی بسیار وسیع و طولانی مدت بوده است. اگر در تضاد با خواست و منافع صهیونیست‌های حاکم بر اسرائیل بود هرگز به وقوع نمی‌پیوست. از طرف دیگر مقامات دولت مصر افشاء کردند که پیشاپیش تحرکات حماس و امکان حمله آن به اسرائیل را به دولت اسرائیل اطلاع داده بودند. پس به چه دلیل مقامات امنیتی اسرائیل این گزارش رسمی دولت مصر را از یک گوش شنیده و از گوش دیگر رد کردند؟ آیا این واقعیات با پناه بردن به "تئوری توطئه" قابل توجیه و کتمان می‌باشد؟!

اما صرفنظر از این که هر کس و هر نیروئی چه تحلیلی از چرایی اقدامات جنگی اخیر صهیونیست‌های حاکم بر اسرائیل داشته باشد، برپائی تظاهرات گسترده در اقصی نقاط جهان و به خصوص در آمریکا و کشورهای اروپائی علیه آمریکا و اسرائیل و دولت‌های امپریالیستی مخالف آتش‌بس، بر همگان آشکار ساخت که مردم جهان بسیار هوشیارتر و آگاه‌تر از

احتمالی دست زدن این دولت به "پاک‌سازی قومی" و اشغال سرزمین فلسطینی‌ها در این بخش می‌باشد که البته هر چه بیشتر آینده می‌تواند صحت و سقم این احتمال را آشکار سازد. اما صرفنظر از این که دولت اسرائیل و امپریالیسم آمریکا چه منافع مادی از جنگ علیه توده‌های فلسطینی ساکن غزه تعقیب می‌کنند واقعیت غیرقابل انکار این است که برای دولت اسرائیل حمله محکوم دار و دسته وابسته و مرتجع حماس به شهروندان اسرائیلی تنها یک بهانه برای اجرای برنامه خود در مورد اشغال کامل غزه بوده است.

همه می‌دانند که اسرائیل کشتارهای وحشیانه توده فلسطینی ساکن در نوار غزه را با عملکرد جنایتکارانه حماس علیه شهروندان اسرائیلی در ۷ اکتبر توجیه می‌کند و نسل‌کشی مردم فلسطین را "دفاع از خود" در مقابل حماس می‌نامد. اما واقعیت این است که حماس به مثابه یک نیروی بنیادگرای اسلامی، دست ساز خود دولت اسرائیل می‌باشد. خود مقامات اسرائیلی بارها به این امر اعتراف کرده و دلیل آن را مقابله با نیروهای چپ و سکولار ملی در میان مردم فلسطین توسط حماس ذکر کرده‌اند. در واقعیت امر نیز هم دولت اسرائیل و هم حماس و هم جمهوری اسلامی که تحت عنوان دروغین پشتیبانی از مردم "مظلوم" فلسطین، حماس را از لحاظ مالی و نظامی تقویت کرده است، هر سه، آبشخورشان امپریالیسم آمریکا می‌باشد. این واقعیت جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌گذارد که نه جمهوری اسلامی و نه حماس و نه اسرائیل هیچ وقت بدون خواست و اطلاع آمریکا و مهمتر، خلاف منافع این امپریالیسم وارد عمل نمی‌شوند.

بنابراین امروز اگر می‌بینیم که حمله ۷ اکتبر حماس بهترین بهانه را برای دولت و ارتش اسرائیل جهت توجیه حملات خود به نوار غزه فراهم نموده است باید روی این عملکرد حماس تعمق نمود و به راحتی از آن نگذشت. در ارتباط با این امر، به طور معمول، افشای توطئه‌های امپریالیستی توسط نیروهای هشیار و مترقی و انقلابی جهان با عنوان "تئوری توطئه" معرفی می‌شود. اگر از رسانه‌های امپریالیستی بگذریم، افرادی هستند که از روی ناآگاهی و یا نادانی ناشی از داشتن موضع بینابینی بین انقلاب و ضد انقلاب، این سخن که اسرائیل پیشاپیش از حمله ۷ اکتبر حماس اطلاع داشت ولی از آنجا که نقشه و سیاست خاصی را در "پاک‌سازی قومی" در غزه دنبال می‌کرد و برای این منظور نیازمند بهانه‌ای بود و به همین دلیل مانع از آن حمله نشد را "تئوری توطئه" می‌نامند. اما همین‌ها قادر نیستند به این سئوالات پاسخ دهند که در حالی که نیروی امنیتی اسرائیل آنقدر قوی است که توانسته بود تعدادی از متخصصان اتمی

قتل آرمیتای ۱۶ ساله، جنایت جدید رژیم

کودک کش جمهوری اسلامی!

در پی اعلام مرگ آرمیتا گراوند، دختر نوجوان ۱۶ ساله‌ای که در روز نهم مهرماه ۱۴۰۱، توسط یکی از مزدوران حجاب‌بان مستقر در متروی شهدای تهران در جریان درگیری به خاطر حجاب اجباری رخ داد، موجی از نفرت عمومی علیه حکومت جامعه را فرا گرفت و بار دیگر چهره رسوای جنایتکار این رژیم زن‌ستیز را بر همگان هرچه بیشتر آشکار ساخت.

این رویداد دردناک یعنی جان باختن یک نوجوان شجاع که تنها "گناهش" عدم قبول حجاب اجباری بود، یک‌بار دیگر به متوهمین این رژیم جنایت‌پیشه ثابت کرد که جمهوری اسلامی، هرگز و در هیچ شرایطی قابلیت اصلاح‌پذیری نداشته و همواره در جهت مقابل مردم ستم‌دیده و کارد به استخوان رسیده‌ی ایران قرار گرفته است. این رژیم جنایتکار تنها در بستر یک انقلاب توده‌ای و قهرآمیز سرنگون خواهد شد.

واقعیت این است که حیات و هستی این رژیم ضد مردمی و فاسد با حفظ منافع امپریالیسم و سرمایه‌داران حاکم گره خورده و هرگونه سرکوب توده‌ها که کشتن آرمیتا تنها یک نمونه کوچک آن است از طرف این رژیم، عمق بی‌حد دیکتاتوری عریانی را که همواره در جهت حفظ منافع سرمایه‌داران می‌باشد، نمایان می‌سازد.

آرمیتا گراوند پس از درگیری لفظی با مامور حجاب‌بان مستقر در متروی "شهدای تهران" مورد حمله این مزدور قرار گرفته و پس از برخورد سرش با میله درون واگن مترو از حال رفت و بی‌هوش نقش بر زمین شد. وی توسط اورژانس تهران به بیمارستان فجر منتقل شد. این دختر نوجوان به دلیل شدت صدمه‌ای که دیده بود به کما رفت و چندی پس از آن مرگ مغزی وی توسط پزشکان تایید شد. اما جمهوری اسلامی هراسان از خشم و عکس‌العمل مردم، خیر مرگ مغزی آرمیتا را فریبکارانه به شدت تکذیب نمود و کوشید با تحت فشار قرار دادن پدر و مادر این دختر نوجوان این طور جلوه دهد که گویا ماموران مزدور رژیم موسوم به حجاب‌بان هیچ‌گونه تعرض و درگیری‌ای با آرمیتا نداشته‌اند. با این سناریو، دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی کوشیدند خشم و نفرت مردم نسبت به این قتل حکومتی را کاهش داده یا از بین ببرند. در حالی که چنین سناریوهایی از طرف این رژیم سرکوبگر برای اذهان عمومی کاملاً مشخص است و اتفاقاً خود همین امر موجب خشم و نفرت هرچه بیشتر همه انسان‌های آزادی‌خواه از این رژیم شده است.

با توجه به تهدیدهای نیروهای امنیتی و شدت فشارهای رژیم بر خانواده داغ‌دیده آرمیتا، اعضای خانواده که در شرایط وحشتناک روحی و روانی به سر می‌بردند امکان آن را نیافتند که در مورد واقعیت آنچه بر سر جگرگوشه‌ی خود آمده کلمه‌ای بر زبان آورند.

حقیقت این است که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در شرایطی که با بحران همه جانبه‌ای دست به گریبان می‌باشد، به دلیل نگرانی از وقوع شورش احتمالی توده‌ها با تمام توان مانع از اعلام خبر قتل آرمیتای نوجوان شد و با وقفه در اعلام این خبر، مزورانه در پی خریدن زمان برای کنترل بر اوضاع جاری گردید. اما چهره جنایتکار این رژیم برای همگان روشن است و همین آگاهی و خشم و نفرت بیکران مردم از شرایط ظالمانه حاکم بر جامعه اندک تردیدی باقی نمی‌گذارد که کاخ ستم و استثمار توده‌های زحمت‌کش همواره پابرجا نخواهد ماند و دیر یا زود بر سر همه سردمداران و حیره‌خواران این رژیم زن‌ستیز و کودک‌کش ویران خواهد شد.

آزادی زن، آزادی جامعه است!

مرگ بر حکومت بچه‌کش!

نابود باد امپریالیسم و مزدوران رنگارنگش!

جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد!

چریک‌های فدایی خلق ایران

۷ آبان ۱۴۰۲، برابر با ۲۹ اکتبر ۲۰۲۳

طبقاتی هم اکثریت مردم تحت ستم جهان خواهند بود.

مرگ بر امپریالیسم و صهیونیسم

پیروز باد مقاومت خلق فلسطین

اشرف دهقانی

۲۸ آبان ۱۴۰۲ برابر با ۱۹ نوامبر ۲۰۲۳

باعث گسترش و شدت‌یابی اعمال انقلابی جهت ساختن دنیای آزاد مطلوب خواهد بود. غیر واقعی نیست اگر گفته شود که جهان پس از نسل‌کشی کنونی دولت اسرائیل، دنیای دیگری خواهد بود، دنیایی که مبارزه طبقاتی در آن با شدت هرچه بیشتری جریان خواهد یافت و جای تردید نیست که فاتح و پیروزمند این جنگ

ارتکاب نتانیاهو و دیگر سران اسرائیل به جنایات جنگی، حاضر به آتش‌بس در غزه نبوده و حتی با چنین خواستی در شورای امنیت به مخالفت برخاستند. اعتراض نسبت به حاکمین وقت از طرف توده‌های آگاه آمریکا و اروپا در جریان حمایت آنان از مردم فلسطین البته تنها به برپائی نظاهرات محدود نبود بلکه در اشکال مختلف دیگر خود را آشکار می‌سازد. کار به جانی رسیده است که معترضین به سیاست جنگ طلبانه مقامات دولت‌های امپریالیستی هر جا که امکان می‌یابند این مقامات را به چالش کشیده و با فریادهای خشمناکین خود آنها را مورد تعرض قرار می‌دهند. حالا دیگر سیاستمداران دولت‌های امپریالیستی در هواپیما و رستوران نیز از دست معترضین نمی‌توانند آسوده باشند.

باید توجه داشت که آنچه توده‌های آگاه و هشیار اروپا و آمریکا در رابطه با جنگ دولت اسرائیل با مردم فلسطین در غزه از خود نشان می‌دهند به واقع تبلور رشد آگاهی و خشم و نفرت آنها از حاکمین وقت در طول زمان می‌باشد که حال این‌گونه خود را آشکار می‌سازد. این امر به نوبه خود تجربه گرانبهایی است. زمانی لنین خود را مجبور می‌دید تا به مردم غرب توضیح دهد که دولت‌های بورژوازی حتی در دموکراتیک‌ترین کشورهای سرمایه‌داری نیز دشمن کارگران و زحمتکش‌ان جامعه می‌باشند. اما امروز سیستم سرمایه‌داری جهانی در چنان شرایط ورشکستگی قرار گرفته است که این مردم، خود دست حاکمین را خوانده اند، چرا که گردانندگان این سیستم امپریالیستی به سختی قادر به پوشاندن چهره جنایتکار و خونبار خود می‌باشند.

شدت فشار افکار عمومی همانطور که شاهد هستیم اکنون برخی از سیاستمداران را وادار کرده است تا حداقل در حرف هم که شده اندکی موضع قبلی خود را تعدیل نمایند. در همان حال اکنون دیگر صداهای مخالف بیشتری از جانب آنان نسبت به کودک‌کشی و نابودسازی مردم غزه و طرفداری از آتش‌بس شنیده می‌شود. در این میان آنچه مهم است مورد تأکید قرار گیرد این است که بیداری و رشد آگاهی در میان توده‌های مردم در سطح جهان در حدی که امروز شاهدیم باقی نخواهد ماند. آنها با آمدن به صحنه مبارزه و تداوم مبارزات خود، خویشتن و شرایط حاکم را نیز تغییر می‌دهند. مبارزات توده‌ای وسیع و رادیکال مردم در سراسر دنیا در دفاع از آزادی فلسطین و محکومیت امپریالیسم و صهیونیسم میدانی برای تمرین نبردهای سرنوشت‌ساز آتی علیه نظام سرمایه‌داری و امپریالیست‌هاست. از این رو، شکی نباید داشت که رشد آگاهی در میان توده‌ها نسبت به ماهیت دولت‌های حاکم و نسبت به توانائی خود در تغییر شرایط نامطلوب و ظالمانه موجود

مصاحبه تلویزیون برابری با رفیق فریبرز سنجری در باره نسل‌کشی اسرائیل در غزه!



میلیتاریزم بکوبه .میلیتاریزم هم یعنی گسترش سود دهی به کارخانجات اسلحه سازی شون و در این فاصله هم میبینیم که بایدن بارها اعلام کرده که همه نیاز های نظامی اسرائیل فوری تهیه و جایگزین خواهد شد. من فقط برای اطلاع بینندگانتون اشاره کنم که در یک هفته اول یک چیزی حدود ۶۰۰۰ هزار تن مواد منفجره ریخته شده توی غزه؛ که خود مطبوعات غربی مدعی هستند تقریباً برابر با بمب هایی است که در طول یکسال آمریکا در افغانستان استفاده کرده. این است اون دلیلی که حالا نتانیاهو که بی شرمانه میگه هیچ غیر نظامی آنجا وجود نداره صحبت میکنه از با خاک یکسان کردن غزه. بعد آمریکایی ها هم در شورای امنیت آمریکا و انگلیس رسماً وا می ایستند و با آتش بس مخالفت میکنند.

پرسش: خب حالا این جنگ که خب ابعادش بسیار وحشتناکه، همین توصیفی وبا آمارهایی که شما میدین و همه هم میدونن پیش چشمان همه ما همین حالا اتفاق میافته و کسی هم برای جلوگیری از این جنگ اقدام چندانی نکرده. البته که جهان فقط رهبران کشورهای غربی نیستند. جهان یک طرف دیگه اش هم هست که مرتب تظاهرات مختلفی میشه گویی که تمامی تضادهای جهان در این مسأله بحران اسرائیل و فلسطینی ها در اینجا تلافی کرده . همه تضادهای جهان به همین خاطر احساسات زیادی بر میانگیزد و تظاهرات بسیار گسترده ای شده و از جمله تظاهرات یهودی هادر واشنگتن. پیامش چه خواهد بود بنظر شما؟ به کجا کشیده خواهد شد این جنگ؟

پاسخ: ببینید اینکه به کجا کشیده میشه خیلی زوده که آدم با این اطلاعات پیش‌بینی بکنه. ولی با صحبت هائی که

عدد خیلی بزرگیه که نشون دهنده گوشه‌ای از نسل‌کشی است که اسرائیل راه انداخته. این که بگیم جنگ حماس با اسرائیل هم یک حدی الان دیگه این نادرسته چون این پرده می اندازه به روی این نسل‌کشی که ارتش اسرائیل عملاً داره به پیش میبره.

در حدود ۱۰۰۰۰ نفری که در این یک ماه کشته شدند طبق آمارهای رسمی خیلی عده محدودی ممکنه که طرفدار حماس بوده باشند. بیشتر این مردم هیچ رابطه‌ای با حماس نداشتند و اساساً کودک و سالخورده و زنهایی بودند که در آن منطقه زندگی میکردند و بر اثر بمباران های وحشیانه اسرائیل کشته شدند. در نتیجه ما به جای این بهتره بگیم جنگ اسرائیل با مردم فلسطین و برای سرکوب مردم فلسطین. اما اینکه چرا یک چنین وضعی شکل گرفت یک حدی برمیگرده به منافع اسرائیل از این بحران داره سود میبره ازش. شما نگاه کنید مقامات مصری رسماً اعلام کردند که ما از چند روز قبل از ۷ اکتبر به دولت اسرائیل اعلام کردیم که یک اتفاقاتی داره می افته ولی این دولت اصلاً توجه نکرد. خب چرا توجه نکرد؟ برای اینکه میخواست یک چنین چیزی راه بیفته . میخواست اون چیزی را که خودش مدعی است مثل ۱۱ سپتامبر آمریکا یک ۷ اکتبر اسرائیلی داشته باشه تا در پوشش آن بتونه این جنایت هاشو انجام بده و غزه را به قول خودشون با خاک یکسان کنند و همه مردم غزه رو بخصوص شمال غزه رو مجبور به کوچ از منطقه بکنند و یک سرزمین خالی از سکنه برای خودشون آماده کنند تا هر وقت که خواستن اون را زمینه بقیه زمین‌ها و قلمروئی که اشغال کردند بکنند . البته نگاهی هم به اون کسانی که دارند از اسرائیل پشتیبانی میکنند خودش نشون میده چه منافعی این کار برای آنها داره. یکی از سیاستهای امپریالیسم که میدونیم با صهیونیسم حاکم در اسرائیل تئیده است اینه که بر

مجری برنامه (سعید افشار) : درود بر همراهان گرامی و درود به مهمان گرامی فریبرز سنجری. آقای سنجری بسیار خوش آمدید.

فریبرز سنجری: سپاسگزارم

پرسش: جنگ، در غزه به شدت ادامه داره؛ در زمانی که حماس حمله کرد به جند تا از شهرک نشین های یهودی در اسرائیل و بعد اسرائیل تهاجم گسترده ای کرد و تا همین حالا که سه هفته از جنگ میگذره بیش از ده هزار فلسطینی جانشان را از دست داده‌اند؛ در بمباران های وحشیانه ارتش اسرائیل. در رسانه ها بسیاری از جنگ بین حماس و اسرائیل صحبت میکنن .به نظر شما این بیان واقعی آنچه که در جریان است میکنه یا نه؟ این که جنگ بین حماس با اسرائیل است. و خود ماجرای اشغال، اشغال طولانی فلسطین خوب به نوعی زیر این حادثه قرار میگیره . همینکه به نظر شما چی شد در این دوره این جنگ سر گرفته؟ و خب حالا بعداً هم راجع به پیامدهاش هم صحبت خواهیم کرد. زاویه و نوع نگاه شما به این جنگ چیست؟

پاسخ: اول بگذارید درود بفرستم به بینندگان عزیزتون و تشکر کنم از شما که این گفتگو را شکل دادید و قبل از هر صحبتی هم مایلم که یاد و خاطره هزاران نفر فلسطینی را که در ۷۵ سال گذشته توسط دولت اسرائیل با اشغال سرزمین شون و برای تداوم این اشغالگری کشته شدن را پاس بدارم ؛ بخصوص مردمان و کودکانی که در یک ماهه اخیر در اثر بمباران های وحشیانه ارتش اسرائیل کشته شدند. گرچه آمار درستی در این شرایط سخته که پیدا کنی ولی یک چیزی حدود ۱۲۰ کودک هرروز کشته شدند و این

به حاشیه رونده همیشه، به رژیم هم فضای تنفسی داده نخواهد شد. رژیم طبق معمول از این جنگ استفاده میکند، تبلیغات میکند و خودش را بعنوان یک ابر قدرت نشون میده که نیروهای نیابتی اش این کار را کردند و اون کار را کردند ولی مردم اتفاقاً برعکس حتی همین کارها را هم بر علیه خود رژیم تغییر جهت میدن و بر علیه اش شعار خواهند داد.

پرسش: آقای سنجری شما از مسئولان چریکهای فدائی خلق ایران هستید. در جنبش فلسطین در گذشته در دهه ۴۰ و ۵۰ چریکهای ایران، چریکهای فدائی خلق ایران یک پیوند گسترده ای با جنبش فلسطینی ها داشتند یعنی با جورج حبش بودند، با جنبش آزادیبخش فلسطین بودند. امروزه خب این یک تحولاتی در جنبش فلسطین افتاده که یکطرفش اسلام گرایان رشد کردند کلا گرایشهای چپ ضعیف شدند. ساف یعنی سازمان آزادیبخش فلسطین هم دچار تحولات زیادی شده، انشعاباتی از سر گذروده و اساساً مذاکراتی که با فلسطینی ها داشتن تشکیلات خود گردان فلسطین بسیاری در فلسطین ارزش انتقاد میکنند که تبدیل شدن به سربازان امنیتی که امنیت اسرائیل را تامین میکنند تا امنیت فلسطین و فساد گسترده. یعنی یک طرفش این تحولات صورت گرفته. شما فکر میکنید علت اینکه چپ فلسطینی ضعیف شده چیه؟ و یک سؤال هم که دارم اینه که شما الان داشتید توضیح میدادید راجع به شرایط ایران. الان در بخش هایی از مردم ایران حالا علتش هر چی که باشه نسبت به جنبش فلسطین، مقاومت فلسطینی دل خوشی ندارن نظری ندارن راجع به فلسطین. کلاً نظری منفی دارن، یعنی این نظر توی ایران وجود داره حالا سر کمیتش نمیدونم. چون شما شاید بهتر بدوید علت چیه؟ و اساساً شما نظرتون چیه؟ به این بخش از مردمی که به موقعی شما خیلی پیوندهای عمیقی داشتین با این جنبش فلسطین و الان هم دفاع میکنید از مقاومت فلسطین ها. مردم که در ایران چنین نظری ندارن و مقابل این نظر و ایستادن و حتی نظر منفی دارن چیه؟

پاسخ: این صحبتی که شما کردین چندین سؤال مختلف توش نهفته، بنابراین من سعی میکنم دونه به دونه اینها را پاسخ بدم و پیش ببرم. اولاً اینکه چریکهای فدائی خلق با جنبش فلسطین با سازمانهای چپ فلسطینی رابطه داشته مثلاً رفیق علی اکبر صفایی فراهانی، محمد صفایی آشتیانی، ایرج سپهری آنها همه در آنجا در جنگ فلسطین علیه اسرائیل نقش داشتند واقعیتیه ولی خب در ۵۰ سال گذشته وضع فرق کرده البته اینکه مثلاً

در حدود ۱۰۰۰۰ نفری که در این یک ماه کشته شدند طبق آمارهای رسمی عده محدودی ممکنه که طرفدار حماس بوده باشند. بیشتر این مردم هیچ رابطه‌ای با حماس نداشتند و اساساً کودک و سالخورده و زنهایی بودند که در آن منطقه زندگی میکردند و بر اثر بمباران های اسرائیل کشته شدند. اما اینکه چرا یک چنین وضعی شکل گرفت یک حدی برمیگرده به منافعی که اسرائیل از این بحران داره سود میبره ارزش. مقامات مصری رسماً اعلام کردند که ما از چند روز قبل از ۷ اکتبر به دولت اسرائیل اعلام کردیم که یک اتفاقاتی داره می افته ولی این دولت اصلاً توجه نکرد. خب چرا توجه نکرد؟ برای اینکه میخواست یک چنین چیزی راه بیفته. میخواست اون چیزی را که خودش مدعی است مثل ۱۱ سپتامبر آمریکا یک ۷ اکتبر اسرائیلی داشته باشه تا در پوشش آن بتونه این جنایت هاشو انجام بده.

اسرائیل داشته وارد جنگ نشده و اینها سعی کردند جنگ را در همین محدوده نگه دارند. جمهوری اسلامی هم فعلاً تا سیاست‌های امپریالیست ها چنین چیزی را ایجاب نکنه از این حد فراتر نمیره. این جنگ در همین محدوده میماند مگر اینکه ما با یک سیاست کلی مواجه باشیم که میخواهند یک جنگ بزرگی در منطقه راه بندازن و در پوشش آن جنگ که برایشون مثلاً نعمت تلفی میشه یک خطوطی را پیش ببرند. منتها خب وضع فرق خواهد کرد.

پرسش: خب ارزیابی شما چیه؟ فکر میکنید که به اون سمت داره پیش میره که جنگ گسترده شه؟

پاسخ: وقتی که جنگ شروع میشه همیشه احتمال اینکه یک حدی کنترلش از دست خارج بشه وجود داره ولی آن حدی که امروزه با اطلاعاتی که از اظهار نظر دولت های مختلف انسان مطالعه میکنه در همین محدوده بیشتر پیش نخواهد رفت.

پرسش: آیا رژیم این امکانات را داره؟ ممکنه شرایط کنونی را برای خودش به یک فضای تنفسی تبدیل بکنه؟ بویژه در رابطه با جنبش انقلابی و سرکوب جنبش انقلابی؟

پاسخ: ببینید جنبش انقلابی مردم ایران و اعتراضات و تجمعات اعتراضی مردم ایران دلائل معیشتی و فشار و سرکوب یک دیکتاتوری در طول ۴۵ سال گذشته داره یعنی زمینه عینی داره. جمهوری اسلامی نمیتونه با مسأله فلسطین یک فضای تنفسی درست کنه که مبارزات مردم رو را به حاشیه براند. شما اگه به اخبار رجوع کنید همین چند روز پیش در خوزستان بازنشسته ها تظاهرات میکردن و شعار مرگ بر رئیس میدادن. این اتفاقاتی که مبارزاتی که مردم ما میکنند با جنگ در این محدوده‌ای که البته وجود داره با این جنگ

فاشیست های حاکم بر دولت اسرائیل میکنند و با چراغ سبزه‌هایی که امپریالیستهای غربی به اسرائیل میدهند خوب روشنن که اینها میخوان بخشی از غزه را یا همه غزه را بسته که اوضاع چه‌جوری پیش بره یک جوری از فلسطینی ها خالی کنند. اسرائیلی ها رسماً گفتند که فلسطینی ها برن توی صحرای سینا و در اردوگاههای پناهندگی در آنجا قرار بگیرند تا ما بتونیم خودمان امنیت غزه را برقرار کنیم و دست خودمان باشه. البته این را ما میدونیم الان مردم جهان همه جا به خیابون آمده‌اند. ما شاهد تظاهراتهای بزرگ توده‌ای در نیویورک، واشنگتن، لندن، پاریس، برلین و جاهای دیگر هستیم. اینها فعالیتها و مبارزاتی است که روی روند فضای تأثیر می گذاره. مثلاً اخیراً شروع کردند به اینکه حالا که با آتش بس توافق نمیکنیم وقفه های بشر دوستانه ایجاد کنیم. این وقفه های بشر دوستانه یعنی همین کاری که مثلاً ۳۰ تا کامیون ۴۰ تا کامیون تا حالا کمک به مردم غزه ای که در محاصره آب و برق، سوخت، و غذا و همه چی هستند برسه. این وضع اینطوری بدون شک ادامه پیدا نمیکنه و این فشارها و تضادهایی که در خود امپریالیستها وجود داره. ما میدونیم که مثلاً چین و روسیه خیلی روشن در سازمان ملل خواهان آتش بس بودند و حتی اخیراً فرانسه هم شروع کرده به اینکه از آتش بس صحبت کردن. خب اینها یک حدی تأثیر میگذاره در اینکه اون روندی که آنها، فاشیست های دولت اسرائیل، در ذهنشون ساختن عملاً طور دیگه ای پیش بره.

پرسش: در باره موضع گیری جمهوری اسلامی نسبت به فلسطین تمام این سالها ادامه داشته. آیا جمهوری اسلامی در حمایتش این جنگ و اختلاف درگیری فلسطینی ها با اسرائیلی ها را تبدیل به یک جنگ نیابتی کرده و اساساً موضع گیری جمهوری اسلامی چه تأثیری بر خود این جنبش فلسطینی داشته؟

پاسخ: ببینید در اینکه جمهوری اسلامی سالهاست که حماس را تجهیز نظامی و مالی میکنه شکی نیست. ولی این رژیم هم رسماً قبلاً گفته بود در مخالفت با نزدیکی کشورهای عربی با اسرائیل گفته بود که روی اسب مرده شرط بندی نکنید. و خب معلومه که از این اتفاق سود میبره که نشون بده که من هم به قول معروف چیزی نشون دادم علیه تهاجمات اسرائیل که برای خودش همین‌جوری می آمد تو داخل خود تهران افراد منو میکشت. این سود را میبره این تبلیغ را میکنه ولی تا جایی که الان روشنن به رغم اینکه وزیر خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرد که انگشت ها روی ماشه است هیچ اراده ای برای فشار دادن آن ماشه وجود نداره به نظر من در جمهوری اسلامی؛ حتی در این مدت حزب الله لبنان که بعدها حتی یک درگیری‌های موقتی و کوچکی هم با

شما ببرسم که تأثیر این جنگ روی جنبش های مسلحانه و غیر مسلحانه چه خواهد بود؟

پاسخ: ببینید روشن نیست منظور از این جنبش های مسلحانه و غیر مسلحانه چیه چون اگه مشخص باشه مثلاً بگوئیم جنبش مسلحانه در فلان کشور، جنبش غیر مسلحانه در یک کشور دیگه. آدم میتونه خیلی راحت روش متمرکز بشه و یک سری صحبت بشه. ولی یک چیز رو با توجه به اتفاقاتی که افتاده و جنگی که شروع شده یک چیزی رو باید توجه کرد حداقل این وحشیگریهای اسرائیل و حمایت بی دریغ امپریالیستها بخصوص آمریکا از اسرائیل باعث شده که این یک حدی یک شور و هیجان بزرگی در میان مردم بوجود بیاد. نسل کشی اسرائیل حتی یهودیها رو در نیویورک به خیابونها آورده که میگن به نام ما نه و با این جنایتها مخالفت میکنند این وقایع و این جنایتها پی که دولت اسرائیل در چهار چوب سیاستهای امپریالیسم آمریکا پیش میره بطور طبیعی یکبار دیگه نشون میده که راه حلی که مبنی باشه بر همین قراردادهای بینالمللی که هیچکدوم را رعایت نمیکن اساساً در این منطقه برای انقلاب فلسطین وجود نداره اون چیزی که راه حل واقعی مسأله فلسطیننه و رسیدن مردم فلسطین به حق تعیین سرنوشتشون یک انقلاب بزرگ مردمی زیر رهبری نیروی انقلابیه. در نتیجه این فضایی که بوجود آمده این شور و شوقی که مردم در تظاهراتهای خودشون در کشورهای مختلف در دفاع از فلسطین و در مخالفت با نسل کشی اسرائیل نشون میدن به باور ما این خودش نشون میده که امر انقلاب و راه انقلاب و اینکه اون راههای غیر واقعی و سترون پاسخگونیست را بهش برجستگی داده و جلو آورده. ما این رو باید روش بکوبیم، این رو باید تبلیغ کنیم.

پرسش: تظاهرات مختلفی که در کشورها برگزار میشه فکر میکنید آیا متناسب با آن جنایتی که داره صورت میگیره ابعاد این جنایت آیا این وجود داره یا نه و چقدر کار میشه کرد که اینرو گسترش داد و شمار بیشتری رو به سمت این اعتراضات کشوند و آیا این اعتراضات میتونه در مجموع تأثیر بذاره روی سیاستهای دولتهای حامی اسرائیل را عوض بکنه ؟

پاسخ: ببینید سیاستهای دولتهای حامی اسرائیل یعنی امپریالیستها رو این چیزها عوض نمی کنه، تأثیر میگذاره. همین که الان همشون دارن میگن یک آتش بس یک وقفه بشر دوستانه خود این نشون میده که مبارزات مردم در کشورهای مختلف و در شهرهای مختلف افکار عمومی را علیه این سیاستها چرخونده و آنها مجبورند یک حدی به این توجه کنند. ولی امپریالیستهای غربی بخصوص که در این مسأله ذی نفع هستند، یک سیاست

شرکت کردن در این تظاهرات های (ضد جنگ) نه حمایت از حماس است و نه دامن زدن به تبلیغات یهودی ستیزانه. فرق داره مخالفت با اسرائیل و صهیونیسم حاکم بر اسرائیل و فاشیست های حاکم با یهودی ستیزی. در نتیجه باید در همه این تظاهرات ها شرکت کرد تا جایی هم که من حضور داشتم یا خواندم در این تظاهرات ها حمایتی از حماس نمیشه و نه شعارهای آنها حمل میشه و نه پرچم آنها. ممکنه در یک گوشه ای مثلاً یک طرفدار جمهوری اسلامی پرچم جمهوری اسلامی را آورده باشه که در خیلی جاها مردم باهاشون برخورد میکنن و ایزوله تر شون میکنند. باید در این تظاهرات ها شرکت کرد و البته سلطنت طلبها با دلالت روشن مخالف این نوع فعالیتها هستند چون آنها بیشتر "پناه" آوردن به دیوار ندبه و رفتن آنجا و حالا چیه آرزو دارن که با کمک اینها شاید یه فرجی حاصل بشه و اینا به یه جایی برسند.

این باعث میشه که بطور طبیعی گوشهای شنوایی بین این مردم برای شنیدن تبلیغات به نفع اسرائیل علیه آزمانهای خلق فلسطین مهیا بشه.

اما باید توجه کنیم بعضیها میگن چرا همه جا تظاهرات شد در ایران ما شاهد تظاهرات به نفع فلسطین و کشتار غزه نبودیم. خب یه این دلیل که جمهوری اسلامی اصلاً حاضر نیست حتی طرفدار خودش را هم بیاره توی خیابون چون میترسه کنترل از دست خودش در بره و از فضای جامعه ما الان یک فضای ملتهبه و اون موجهائی که جنبش ۱۴۰۱ ایجاد کرده هنوز کاملاً فروکش نکرده. ما هنوز هم در جمعه های اعتراضی در زاهدان که شاهدش هستیم در نتیجه جمهوری اسلامی اولاً نمیخواد نمی اید در ثانی مردم باید یک حدی هم تشکیلی وجود داشته باشه که فراخوان بدن که از آنها بخواهد دیکتاتوری هم چنین تشکل هائی رو از بین برده، سرکوب کرده یا فعالیتهاشون را محدود کرده.

پرسش: البته پیامدهای زیادی این جنگ خواهد داشت در منطقه و در دنیا و در این قطب بندی چون در حال انتقالی هستیم در این دنیای کنونی به دنیای دیگه؛ در شرایطی که ابر قدرتی و هژمونی آمریکا هم مثل سابق نیست. این هژمونی آمریکا برخی از کارشناسان و تحلیل گران میگن که در سرانسیب است یعنی در افول، یعنی شاهد افول هژمونی آمریکا هستیم در مقاومت مردمی در منطقه تأثیر این جنگ با توجه با این توازون قوای نظامی مثلاً چون این هم دیگه همیشه اسمشو جنگ گذاشت. چون جنگ دو طرف دیگه داره یکی توپ، تانک و مسلسل و هواپیما همه چیز داره و یکی هیچی نداره، فقط مسلسل داره یعنی اینکه همیشه به اون شکل جنگ نامید اما میخواستیم از

اسلام گراها رشد کردند در فلسطین و اینکه حتی به قول معروف دولت خود گردان که ایجاد شده بیشتر نقشش شده امنیت اسرائیل را بوجود آوردن اینها نشون دهنده تحولاتی است که رخ داده، گرچه ما نباید فراموش کنیم که این تحولات صرفاً مال فلسطین هم نیست ما شاهد این تحولات در همه جا هستیم. در کشور خودمان هم هستیم. ما وقتی جمهوری اسلامی در ۱۳۵۷ برای سرکوب انقلاب ایران در گوادلوپ روی کار آوردنش خب این جمهوری اسلامی بمثابه پدر خوانده بنیاد گزایی اسلامی سرکوب های وحشیانه ای کرده که یک نسل کشی از کمونیستها به پیش برده که یکی از جلوه هاش هم کشتارهای دهه ۶۰ و بعد هم قتل عام زندانیان سیاسی در دهه ۶۷ است. در نتیجه مسأله فقط فلسطین نیست گرچه در فلسطین هم این واقعیت رخ داده که دوتا مسأله را باید توجه کرد. یک اشتباهات خود سازمانهای چپ در فلسطین است که تا آنجائی که تاریخ فلسطین نشون میده اکثراً خودشان را با قدرتهای عرب منطقه نزدیک میکردند و با تغییر سیاست آن قدرتها تمام برنامه هاشون مختل میشد. فلان سازمان فلسطینی می بینی طرفدار سوریه میشد. سوریه تغییر میکرد جهت گیریهای سیاسی اش اون هم مجبور بود همه چی رو عوض کنه و اینها از چشم مردم دور نمی ماند. یکی اینها بوده یکی دیگه هم خب همین حماس را اسرائیل بوجود آورد. همین بنیاد گزایی اسلامی که در منطقه همه جا حضور داره کار آمریکایی ها بوده. آمریکایی ها در افغانستان خود هلاری کلینتون رسماً گفت ما به وجودشان آوردیم بعد هم که ایران هم جلو چشم خودمان جمهوری اسلامی را بوجود آورد و ۲۴ سال ۲۵ ساله که دارن بادش میکنن و ازش حمایت میکنند. فقط الان بگم یک نکته را به طور حاشیه ای، و بعد برم دنبال بقیه بحث این همه میگن ما جمهوری اسلامی را تحریم کردیم. دیروز در اخبار میخواندم که ایران شده سومین جایگاه در صدور نفت در اوپک. خب این وقتی میشه سومین جایگاه در صدور نفت در اوپک یعنی پس مشتری وجود داره نفتش را میخرند. یعنی پس تحریمی وجود نداره به اون معنا. پس اینها همه دروغهایی است که مردم را باهاش سرگرم کردند. اما اینکه مردم ایران تمایلی مثل گذشته مثلاً سازمانهای انقلابی از آرمان فلسطینی حمایت میکردند، ندارند. این هم فکر نمیکنم به این غلظت هم این مسأله باشه ولی من انکار نمیکنم که جنایت های جمهوری اسلامی و نفرت و خشم به حق ما از جمهوری اسلامی و سردمداران جمهوری اسلامی وضعی را بوجود آورده که وقتی که آنها میبینند جمهوری اسلامی به اسم فلسطین داره به حماس پول میده. به اسم فلسطین داره به حزب الله لبنان پول میده. خب اینها میبینن خودشان دارن از گرسنگی میمیرند، زیر خط فقر قرار گرفته اند، از این سیاستها منزجر اند و

گزارشی از آکسیون ۲۱ اکتبر در آمستردام

روز شنبه ۲۱ اکتبر با فراخوان "کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در هلند" که فعالین چریکهای فدائی خلق ایران بخشی از آن می باشند آکسیونی در میدان دام آمستردام برگزار گردید.

این آکسیون در حمایت از مبارزات مردم ستمدیده ایران و دفاع زندانیان سیاسی و کارگران زندانی و همچنین علیه صهیونیسم و جنایات دولت اشغالگر اسرائیل و دفاع از مردم رنجدیده فلسطین سازمان یافته بود. محل آکسیون همچون همیشه با بنرهای بزرگ حاوی تصاویری از جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم تحت ستم ایران و همچنین شعارهای مختلف نظیر مرگ بر امپریالیسم و نابود باد رژیم جمهوری اسلامی و ... تزئین شده بود. با توجه به جنایات ارتش اسرائیل در غزه شعارهایی علیه دولت اسرائیل در محل آکسیون نصب شده بود و سرودهای مترقی عربی از بلندگو پخش می شد. این موارد با توجه به جو کنونی علیه جنایات اسرائیل در غزه توجه زیادی را به خود جلب می کرد و باعث شده بود تعداد بسیاری از عابریان از محل برگزاری آکسیون دیدن کنند. با توجه به برنامه های دیگری که در میدان دام وجود داشت محل آکسیون خیلی شلوغ و تعداد بازدیدکنندگان از تجمع زیاد بود. برای نمونه در تمام مدتی که آکسیون بر قرار بود یعنی از ساعت ۱۲ تا ساعت ۴ بعد از ظهر بحث و گفتگو به خصوص در مورد فلسطین جریان داشت.

فعالین چریکهای فدائی خلق با گذاشتن میز کتاب و توزیع انتشارات سازمان پاسخ گوی پرسش های گوناگون بازدیدکنندگان در مورد مسائل مختلف از جمله درگیری های غزه بودند. ما در این بحثها از حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین دفاع کرده و بر این امر تاکید داشتیم که باید با نابودی صهیونیسم و امپریالیسم شرایط دمکراتیکی بر قرار شود تا توده های ساکن این سرزمین آزادانه سرنوشت خود را تعیین کنند. این موضع با استقبال خیلی از بازدید کنندگان مواجه می شد به جز یک مورد که نامبرده خود را طرفدار دولت اسرائیل معرفی می کرد.

این آکسیون مبارزاتی در شرایط شلوغی شدید میدان دام سر انجام پس از ۴ ساعت با موفقیت پایان یافت.

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

نابود با امپریالیسم و صهیونیسم!

زندانی سیاسی، کارگر زندانی آزاد باید گردد!

پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند

اکتبر ۲۰۲۳

نظامی و اقتصادی آمریکا به اون همیشه. سالی سه تا چهار میلیارد دلار دارند بهش میدن. خب این پول که بیخود نیست. این پول برای این است که او باید به کارهایی برای اونها بکنه و در نتیجه این تنیدگی را نشان دادن و اینکه این سیاستها را نشان دادن و این دستان خون آلود سردمداران اسرائیل رو با دستهای خون آلود همین دار و دسته بایدن یکجا نشون دادن کمک میکنه به اینکه مردم هر چه بیشتری در این کشورهایی که ما زندگی میکنیم و یا در منطقه به صفوف مبارزه علیه اسرائیل پیوندند و نسل کشی فلسطینهایی که اسرائیل پیش میبره.

مجری برنامه (سعید افشار): من سپاسگزارم از حضورتون فریبرز سنجری گرامی از مسئولان چریکهای فدائی خلق ایران. با آرزوی موفقیت درود. روزگار بر شما خوش باد.

فریبرز سنجری: من هم متقابلاً دو باره از شما تشکر میکنم به خاطر این برنامه‌ای که شکل دادید و امیدوارم که پاسخگوی پرسش های شما بوده باشم. به امید برنامه‌های بعدی. شاد باشید.

در این تظاهرات ها شرکت کرد والبته سلطنت طلبها با دلائل خیلی روشن مخالف این نوع فعالیتها هستند چون آنها بیشتر به قول معروف پناه آوردن به دیوار ندبه و رفتن آنجا و حالا چیه آرزو دارن که با کمک اینها شاید به فرجی حاصل بشه و اینا به یه جایی برسند. آنها فرق دارند با بقیه نیروهای سیاسی در اپوزسیون ایران. تا جایی که من اطلاع دارم بیشتر نیروهای سیاسی اپوزسیون در ایران در این تظاهرات ها شرکت میکنن و باید هم بکنن و باید هم تلاش کرد که هرچه بیشتر تبلیغات علیه اسرائیل با فاکت های عینی و مبتنی بر جنایات روشن اسرائیل اشاعه داد تا مردم هر چه بیشتری که اگر هم تا حالا کسانی بر نخاستن و نیومدن به این صفوف تظاهرات ها آنها تشویق بشن و بیان. و یکی از نکات مهم آینه که هم جنایات اسرائیل با فاکت و عکس توضیح داده بشه و هم تنیدگی غیر قابل انکار اسرائیل با امپریالیسم آمریکا. الان در آمریکا شعار میدن که اسرائیل بمب می اندازه مردم آمریکا پولش رو میدن. شعاری به این معنا میدن. این حرف کاملاً درستی است خب این پولهایی که اسرائیل یکی از کشورهای است که بیشترین کمکهای

روشن را پیش میبرند. اونها میخوان در تقابلاتی که بطور طبیعی با چین و روسیه دارند پایگاه ها و جای پای خودشون را در خاور میانه هر چه مستحکم تر کنند و تا آنجائی که این درگیریها، این جنگها و این کشتارها به استحکام موقعیت آنها کمک می کنه و به پذیرش حضور مستقیم نظامی آنها کمک میکنه خب این (خط) را پیش خواهند برد. فراموش نکنیم که با همین هفت اکتبری که شروع شد آمریکایی ها ناو هواپیما بر جرالد فورد را فرستادن به سواحل اسرائیل و بعدش اگه اشتباه نکنم ناو هواپیما بر آیزنهاور رو فرستادن و کلی نیروی امریکائی الان نزدیک خاک اسرائیل آماده است و خود دولت بایدن هم به اسم اینکه یهودیها رو دارن می کشن، یهودی ها تحت فشار هستند، داره از کنگره آمریکا اجازه کمکهای میلیاردی بگیره. کمک های میلیاردی معنی اش روشن است یعنی اینکه کارخانه های اسلحه سازی آمریکا میلیارد دلار دیگه اسلحه بسازند تا بتونه جای بمب ها و موشک های (مصرف شده) اسرائیلی جایگزین بشه.

پرسش: آقای سنجری این تظاهرات که شما در باره ایران گفتید شاید اغراق باشه به هر حال چنین گرایشی در ایران وجود داره که فاصله میگیره با جنبش فلسطین با جنبش پشتیبانی از آرمان مردم فلسطین که کشورشون خب اشغال شده. در خارج از کشور هم برخی اما و اگر میکنند که بعضی در این تظاهرات شرکت بکنن منجمله در میان ایرانیها در میان فعالان چپ تظاهرات خب خیلی گسترده است از چند هزار نفر و حتی چند صد هزار نفر داره برگزار میشه ولی خب عده ای میگن به خاطر وجود پرچم ها و یا علائم جریانهای اسلام گرا مثل حماس یا حزب الله در این تظاهرات شرکت نمیکند و یا میگن نباید کرد. ولی خب خیلیها هم شرکت میکنند. علیرغم اینها نظر شما چیه؟ کلا این ماجرا را چه جوری میبینید؟

پاسخ: ببینید شرکت کردن در این تظاهرات ها نه حمایت از حماس است و نه دامن زدن به تبلیغات یهودی ستیزانه. این فرق داره مخالفت با اسرائیل و صهیونیسم حاکم بر اسرائیل و فاشیست های حاکم بر دولت نتانیاهو با یهودی ستیزی. در نتیجه باید در همه این تظاهرات ها شرکت کرد تا جایی هم که من حضور داشتم یا شنیدم و خواندم در این تظاهرات ها حمایتی از حماس نمیشه و نه شعارهای آنها حمل میشه و نه پرچم آنها حمل میشه ممکنه در یک گوشه ای مثلاً یک طرفدار جمهوری اسلامی پرچم جمهوری اسلامی را آورده باشه که در خیلی جاها مردم باهاشون برخورد میکنن و از این ایزوله ای که هستند ایزوله تر شون میکنند. بالاخره باید

توضیح پیام فدایی:

چند سال پیش رفیق فریبرز سنجری به منظور روشنی افکندن دن هر چه بیشتر بر تاریخ واقعی و حیات و فعالیتهای چریکهای فدایی خلق ایران در کشور ما گفتگوهایی را با برخی از مبارزینی که مستقیماً در جریان گوشه ای از روابط و کار و فعالیت چریکهای فدایی خلق ایران فرارداشتند به انجام رسانید. آنچه در زیر می آید آخرین بخش متن گفتگوی رفیق سنجری با رفیق

گفتگو با سعید قهرمانی (سعید یوسف) درباره‌ی چگونگی شکل گیری چریکهای فدائی خلق (۳)



دیدم. و بعد تا مدتی من با رفیق جعفری ارتباط داشتم و یک سری جزوات و چیزهایی که هنوز پیش من بود، در سفری که به خراسان کردم از آن جا برایش آوردم. در حوالی نوروز ۵۴ بود که به بهانه ی بازدید نوروزی رفتم به خراسان که این چیزها را بیاورم، و این ظاهراً آخرین دیدار من با رفیق بود. در دیدارهای قبلی او هم قبول کرده بود که من باید خودم را آماده کنم که به خارج بروم. در آخرین دیدار من بهش گفتم که با توجه به

این که ارتباط بین ایران و عراق دوباره عادی شده و رادیو میهن پرستان قطع شده، ظاهراً آن برنامه هایی که ما داشتیم، دیگر منتفی به نظر می رسد. او هم گفت که آره به نظر می رسد که آن برنامه فعلاً منتفی است، ولی خوب تو هنوز خودت را آماده نگه دار و این ها. و دیگر پس از آن این رفیق به من سر نزد و من احساس خوبی نداشتم، فکر می کردم شاید دیگر من موجود بی فایده ای بوده ام، در واقع چیزهایی را که داشتم به آن ها داده ام و برنامه ی رفتن به خارج هم نیست، و من در واقع رها شده ام. بعداً نزدیک به قیام بود که در دانشکده فنی در آن نمایشگاه عکس های رفقا، من ناگهان عکس رفیق جعفری را دیدم و متوجه شدم که کمی بعد از آن آخرین قرار، رفیق جعفری شهید شده اصلاً، و ارتباط من این طوری قطع شده.

پرسش: رفیق جعفری وقتی که شهید شد، روزنامه ها نوشتند.

پاسخ: ولی عکس زنده بودند. من ندیده بودم یا نمی شناختم.

پرسش: عکس جوانی اش را زده بودند.

پاسخ: جالب است برای من که آن عکس را ببینم.

پرسش: برایت اسکن می کنم و می فرستم.

پاسخ: بسیار خوب است. خوشحال می شوم.

پرسش: روزنامه اش هست. عکس ۳ تا از مبارزین که البته در سه جای

ارتباط با سازمان بوده است، حدس زدم که احتمالاً این اولین مرحله ی چک کردن من بوده. و البته یک بار هم در خیابانی نزدیک به خانه ام سعید پایان را کوتاه دیدم که مثل برخوردی تصادفی بود. بعد از این بود که رفیق فریدون جعفری در محل کارم، که در تهران در دبیرستان بابکان (در خیابانی فرعی نزدیک به پیچ شمیران) بود به دفتر دبیرستان تلفن زد و گفت می خواهد من را ببیند. و یک اسمی گفت که من مدتی حیران بودم که این کی می تواند باشد که می خواهد من را ببیند، یا شاید احتمالاً کسی هست که با یکی از رفقای من که من در زندان باهاش بودم آشنایی دارد. به هر حال، آن قرار را با او گذاشتم و بعد خودش را با اسمی دیگر معرفی کرد و گفت که از طرف سازمان است و می خواهد ارتباط را برقرار کند، و من یادم هست با شک با او برخورد کردم و گفتم من چه طور می توانم مطمئن باشم که شما در ارتباط با سازمان هستید و مثلاً از طرف ساواک نیامده اید این جا. خود او هم آمادگی برای چنین سؤالی را نداشت و راه حلی که به نظرش رسید این بود که یک قرار در خیابان بگذارد، مثلاً من در یک کافه یا کبابی در حوالی بهارستان نزدیک پنجره بنشینم و بعد یکی از رفقا مثلاً سعید پایان بیاید در خیابان از جلو پنجره عبور کند و من ببینم او را. و من گفتم خیلی خوب. البته، قضیه این بود که همان دیدار، اعتماد من را جلب کرده بود، وگرنه این روش پیشنهادی هم چیز مطمئنی نبود، چون فرضاً رفیق سعید پایان می تواند در چنگ پلیس باشد و ساواک از او بخواهد که چنین کاری بکند. با خودم فکر می کردم باید شکل بهتری هم برای اطمینان دادن به فردی که می خواهید با او تماس بگیرید وجود داشته باشد. ولی من پذیرفتم و آن قرار هم با سعید پایان گذاشته شد، به این ترتیب من برای آخرین بار سعید پایان را سر همین قرار دیدم که از مقابل من، در خیابان رد شد و من او را

سعید قهرمانی (سعید یوسف) است که به این ترتیب در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد. متن کامل این گفتگو در سایت سایهکال در آدرس زیر برای علاقه مندان قابل دسترسی است:

[گفتگو با سعید قهرمانی درباره‌ی چگونگی شکل گیری چریکهای فدایی خلق! - چریکهای فدایی خلق ایران \(siahkhal.com\)](http://siahkhal.com)

پرسش: سعید! بعد از این که آزاد شدی، آیا هیچ تلاشی سازمان کرد که با تو تماس بگیرد یا تو سعی کردی که با سازمان تماس بگیری؟

پاسخ: سازمان این تلاش را کرد. البته، خود من تصورم این بود که با توجه به نوع مبارزه ای که در جریان هست، اگر من همکاری می کنم باید در خارج باشد، نه در داخل ایران. چون در داخل ایران من به درد این می خوردم که توی زیرزمین یک خانه بنشینم و تایپ کنم، و برای رفقا مثلاً چیز بنویسم. می دانستم که من یک تیپ مبارزه‌ی مسلحانه توی خیابان نیستم و این توهم را نسبت به خودم نداشتم. در نتیجه، می دانستم که با توجه به این که رادیو میهن پرستان در خارج از کشور وجود دارد، من آن جا می توانم مفید باشم و هنوز البته چیز زیادی از آزادی من نگذشته بود و من داشتم قدری اوضاع را عادی می کردم برای خودم. دوباره در دانشگاه ثبت نام کرده بودم که بروم و فوق لیسانس بخوانم. در چنین شرایطی بود که رفقا با من تماس گرفتند و ابتدا فکر می کنم که رفیق عباس هوشمند بود که آمد به خانه‌ی من. و البته اصلاً تحت این عنوان که از طرف سازمان است و اینطور چیزها نبود و مثل یک دیدار ساده بود بین کسانی که یک زمانی زندان بوده اند و مرور خاطرات و این ها. بعداً که من فهمیدم که رفیق در

مختلف شهید شده اند را درج کردند و اسمش را گذاشتند موفقیت ساواک.

پاسخ: پس متاسفانه اگر هم آن عکس را دیده ام، متوجه نشده ام. چون به هر حال خیلی قیافه ی دیگری بوده در قیاس با آن چهره ای که می آمد به دیدار من.

پرسش: پس، از صحبت های شما متوجه می شوم آخرین قرار شما با رفیق جعفری این بود که به خارج از کشور بروی و در رادیو کار کنی، و بعد با آن تحولی که در منطقه شد و بعد از شهادت جعفری، برنامه منتهی می شود و ارتباط شما هم قطع می گردد.

پاسخ: بله، درست است. یعنی قطع ارتباط همین طور ادامه داشت تا قیام.

پرسش: پس شما از اوایل ۵۴ دیگر ارتباطی نداشتید.

پاسخ: نه نداشتیم.

پرسش: سعید پایان این اواخر فقط اسم اش مطرح شد. شما یک شعر برای سعید گفته اید؟

پاسخ: بله، درست است.

پرسش: با سعید کجا آشنا شدی ؟

پاسخ: سعید پایان، خوب در تهران بود در آن سال هایی که من در مشهد بودم. و من در زندان برای اولین بار با او آشنا شدم. تا آن موقع من آشنایی ای با او نداشتیم. و خوب در زندان خیلی به هم نزدیک بودیم و رفیق فوق العاده ای بود. من چقدر اصرار می کردم بهش که خاطرات اش را (بویژه از پویان و احمدزاده ها) اگر می تواند ضبط کند و بعد که رفیق جعفری را دیدم و قرار با سعید پایان را گذاشت، به رفیق جعفری هم گفتم که این رفیق اطلاعات با ارزشی دارد که امیدوارم ازش خواسته شود که این ها را منتقل کند و بنویسد، چون من نمی دانم که در زندگی چریکی این رفیق تا کی باقی خواهد ماند. امیدوارم باقی باشد ولی عمر یک چریک می دانیم چقدر کوتاه است. ولی ظاهرا چنین اتفاقی نیافتاده و آن رفیق هم واقعا چند ماهی بیشتر طول نکشید که شهید شد. اواخر سال ۵۳ بود که شهید شد.

پرسش: همان موقع اگر اشتباه نکنم توی اهواز زندگی می کرد.

پاسخ: بله، درست است

پرسش: پس بیرون با او تماس نداشتید، توی زندان او را می دیدی؟

پاسخ: بله، فقط توی زندان.

پرسش: توی دادگاه که رفتی، توی آن دسته بندی هایی که می کردند، با کی ها رفتی به دادگاه؟

پاسخ: این هم سؤال جالبی است. دیگر رسیده بود به زمانی که دادگاه ها را کوچک می کردند. یکی از کسانی که از مشهد دستگیر شده بود... و اینجا باید بگویم خیلی ها از مشهد بی ربط هم دستگیر شده بودند، فقط به خاطر این که مثلا دیده شده بود که با پویان نشستند و گفته اند و خندیده اند، یا بحث کرده اند با یکی از رفقا. یکی از این ها کسی بود به نام رضا مصباحی، که خیلی هم بچه ی ساده و مهربان و انسان خیلی خوبی بود، همکلاسی بهمن آژنگ بود ولی اصلا سیاسی نبود، و این دوست را هم گرفته بودند و در زندان اوین و جمشیدیه هم با ما بود. و من را با رضا مصباحی بردند دادگاه. یادم هست در مرحله ای که ما را برای بازپرسی رسمی به دادرزای ارتش می بردند، کجا بود که ما را برای اولین بار می بردند که بازجویی های ساواک را شکل رسمی بازپرسی مناسب دادگاه بهش بدهند؟ آن جا من به افسری که نشستند بود گفتم که این رفیق ما، این دوست ما آقای مصباحی هیچ کاری نکرده. در واقع من شدم ضامن مصباحی. گفتم این اصلا هیچ ارتباطی نداره، هیچ کاری نکرده اصلا. چرا این را دادگاهی می کنید؟ این را آزادش کنید. دادگاه هم مسخره می شود اگر این دادگاه برود. نمی دانم چه قدر این گفتار من موثر بود یا نبود، به هر حال در همان مراحل ابتدایی، مصباحی آمد با آن افسر صحبت کردیم و مصباحی دیگر به دادگاه نرسید. در همان مرحله ی اول آزادش کردند و من تک و تنها رفتم دادگاه و هیچ کس دیگری از رفقا با من نبود.

پرسش: هم دادگاهی ات را آزاد کردند؟ پس سالهای ۵۴ تا ۵۷ توی جامعه بودی؟

پاسخ: بله.

پرسش: حالا تاثیر این جریان، این جنبشی که شکل گرفته بود، چه بود؟ چون ما آن موقع زندان بودیم و زیاد از مسایل اطلاع نداشتیم.

پاسخ: بله، حقیقت اش را بخواهید، دیگر در آن سال ها که هر از گاهی در روزنامه ها خبر ضربه هایی به تیم های مخفی سازمان منعکس می شد یا احتمالا عملیاتی که رفقا کرده بودند و به جز این، چیز زیادی از حیات سازمان مشاهده نمی شد. من در همان سال ها احساس می کردم که روش های مبارزه باید چیز دیگری باشد. یعنی فکر می کردم آن تکان اولیه ای که رفقا می خواستند با شروع حرکت شان بدهند به جامعه، و احتمالا هدف اولیه هم اگر که روشن فکرها بودند، در این کارشان موفق بودند. یعنی من فکر می کردم هدف اصلی، صرف نظر از همه

ی تاثیرهایی که داشته، بسیج روشن فکران، به عنوان پیش آهنگ بوده. در واقع فکر می کردم این قدم اول بوده. خوب، پیش آهنگ بسیج شد، حالا چه کار می خواهند بکنند در مرحله ی بعدی؟ من فکر می کردم که ادامه اش جامعه را پلیسی تر می کند و رفقا مرتب ضربه می خورند. به نظرم مبارزه آنها نمی توانست تنها شیوه باشد. در یکی دو تا شعری هم که در همان سال ها دارم، دیگر به عنوان تنها شیوه رد می کنم. مبارزه ی مسلحانه را به عنوان یکی از شیوه ها می شد پذیرفت. در واقع آن شعاری که داده می شد، که سازمان بازوی مسلح توده هاست، من در یک شعری این را به این شکل عنوان می کنم که نمی تواند فقط بازوی مسلح باشد، بقیه اش هم باید باشد، اگر شما بازوی مسلح اش هستید، بقیه اش هم ضروری ست، سر و بدن هم باید وجود داشته باشد. نمی شود که همه چیز به یک بازوی مسلح محدود بشود و احساس می کردم که مبارزه باید وسیع تر و فراگیرتر باشد، تا همه ی افراد را با هر گونه ای از توانایی بتواند در بر بگیرد، وگرنه شما ناچارید فقط روی آدم هایی تکیه بکنید که می توانند اسلحه به دست بگیرند و در خیابان بجنگند. کسی را که یک فعالیت کوچولو در حاشیه می تواند بکند، او را چه طور می توانید هم در ارتباط داشته باشید و هم از نیرو و سرمایه اش، در جهت هدف استفاده بکنید. این است که من آن چه که می دیدم، همین اخبار پراکنده بود و ضربه هایی که سازمان در آن سال ها می خورد و من را بیشتر از همیشه متأثر می کرد. من بیشتر فکر می کردم که چیزی باید تغییر بکند در شیوه ی کار رفقا. اما، در سطح جامعه، خوب من می رفتم کار می کردم، من درس می دادم.

پرسش: هنوز دبیر بودید؟

پاسخ: من دیگر در همان دبیرستان نبودم. می رفتم در مؤسسات خصوصی زبان، درس می دادم. از جمله یکی از آخرین جاهایی که چندین سال در آن جا درس دادم، انستیتوی انگلیسی سیمین بود. همان جا که خانواده ی فرخ نگهدار و انصاری ها می گرداندند. من البته اول هیچ خبری نداشتیم. تازه بعد از این که فرخ نگهدار آزاد شد، من فهمیدم که آن هم متعلق به این خانواده است. آن جشنی که گرفته بودند برای آزادی فرخ نگهدار، من هم رفتم و برای اولین بار فرخ را آن جا دیدم، ولی هیچ وقت صحبت نزدیکی با او نداشتیم. بگذریم از این. خلاصه در آن محیط کار، من زیاد فضایی را که متاثر باشد از جنبش و یا هدفمند بخواهد به سمت مبارزه ای پیش برود، نمی دیدم. با دانشجویان و دانشگاه زیاد ارتباط نداشتیم و رفقای پراکنده ای هم که از زمان زندان بودند و من باهاشان ارتباط علنی و رفت و آمد و این ها داشتیم، احساس نمی کردم آن چنان درگیر فعالیت سیاسی ای باشند،

جنبشی که خمینی تازه شده است رهبرش. سعید جان، خودت چیزی داری که اضافه کنی به این بحث ها؟

پاسخ: فکر نمی کنم الان در این حوزه ای که شما سؤال کردید چیز بیشتری باشد و من فکر می کنم آن چه که به نظرم رسیده گفتم.

پرسش: سعید، آن موقع اسم مستعار می گذاشتند، اسم مستعار تو چه بود؟

پاسخ: اسم مستعاری که برای من انتخاب شده بود "ژوزف" بود و خودشان می گفتند این تناسبی دارد با سیل هایی که من داشتم. به هر حال، دیگران هم معمولا بچه های اطراف که من می شناختم، اسم های غیرایرانی انتخاب می کردند و خود گلوی که من می شناختم براردو نام تشکیلاتی اش بود، که این اسم یکی از شخصیت های رمان فوتامارا از اینیاتسیو سیلونه هستش. بهمن آژنگ، مثلا آنتوان بود. البته، من رابطه ام با بهمن تا آن حد ادامه پیدا نکرد و او از مشهد رفت. بعدا من فهمیدم که اسم تشکیلاتی اش آنتوان بوده.

پرسش: آن موقع، همیشه می گفتند ما با یک چیز خیلی محدودی شروع کردیم. می گفتند ما با ۲ اسلحه شروع کردیم. بعد یکی هم می گفتند که از طریق خاصی آمده به دست ما. از قرار معلوم آن طریق را تو می دانی. حالا آن طریق را برای ما بگو.

پاسخ: عرض شود که یک اسلحه در خانه ی خواهر من بود که این را شوهرش که خیلی از اوقات به خاطر گرفتاری شغلی در سفر بود، گذاشته بود بالای کمد خانه اش که اگر دزدی، چیزی آمد، خواهر من از خودش با آن دفاع کند و، خواهر من هم همیشه می گفت من از این اسلحه بیش تر از دزد می ترسم. به هر حال من خبر داشتم که اسلحه ای بی کار آن جا افتاده و من این را در فرصتی، بدون این که آن ها بفهمند، از آن جا برداشتم و به رفیق گلوی دادم، و این یکی از موارد پرونده ی من شد بعدا. یعنی من اسلحه هم در پرونده ام بود. ولی خوشبختانه دادگاه من خورد به زمان بسیار مساعدی برای شخص من. یعنی در فاصله ی بعد از اعدام های رفقای فدایی در اسفند سال ۵۰ و قبل از شروع اعدام های مجاهدین. برای یک مدت کوتاهی در فاصله بین این اعدام ها، ظاهرا تساهل بیش تری در دادن مقدار حبس می شد و من فقط به ۲ سال زندان محکوم شدم. وگرنه، با وجود یک اسلحه می توانستند حبس بالاتری به من بدهند. البته من همیشه گفته بودم که خودم هیچ استفاده ای از آن نکرده ام.

فریبرز سنجری: متشکرم.

ها و فداکاری ها و چیزهای دیگر که با این مبارزه آمیخته است، و با آن رمانتیسیم انقلابی پیوند دارد. این چیزی است که بیش از همه هنرمندان را و بین آن ها هم بیش از همه شاعران را تحت تاثیر قرار می دهد، چون با حال و هوای حسنی ای که آن ها دارند، به آن ها از همه نزدیک تر است. اصلا در یک مقطعی از شعر، مثلا اگر شاعری به نوعی هم دلی نمی کرد با مبارزه ی مسلحانه، احساس گناه می کرد. ما نمونه های زیادی از شعر می بینیم که شعرا به نوعی پوزش خواهانه دارند از این یاد می کنند که چرا نقش مستقیمی در مبارزات جاری در جامعه ی خودشان ندارند و این چیزی است که نمونه های بسیاری از آن در آثار همه ی شعرا می شود پیدا کرد.

پرسش: وقتی که ستاد سازمان زده شد، من یادم هست که گفتند یک اطلاعیه بدهیم و کارگران را مخاطب قرار بدهیم در دانشکده حتی انتظارشان این بود که مثلا شاید ۵۰ تا ۶۰ تا ۷۰ تا کارگر بیاید اما خیلی از کارگران آمدند و آن جا بود که نشان می داد که مبارزه مسلحانه روی طبقه ی کارگر تاثیر گذاشته است و این سازمان را برده بود به ذهن این ها. چند هزار کارگری هم که آمده بودند، به قول معروف کارگر ساده نبودند، کارگر پیشرو بودند. هر کدام در کارگاهی که بودند، ۷-۸ نفر حرف آن ها را می خواندند و این نشان می داد که جنبش بر این ها تاثیرگذار بوده. من می فهمم که این سازمان نتوانست نیرویی را که آزاد کرده بود، سازمان بدهد. شکی به این ندارم، ولی تاثیر گذاشته بود.

پاسخ: درست است. در تظاهرات اول ماه مه هم می بینیم که جمعیت به ۵۰۰،۰۰۰ نفر رسید. آمدند، ولی از این جمعیت، بیش ترش دانش آموزان و دانش جویان، تیپ های روشن فکر بودند. همان طور که من احساس کردم، فکر می کنم من اشتباه نکرده ام که بیش تر روشنفکران بودند، این تیپ اولین کسانی هستند که به خاطر شناخت شان و حرفه شان که مشغله ی فکری هست و درگیر با مسایل فکری می شوند، بیش ترین تاثیر را گرفته اند از آن چه که در حوزه ی سیاست دارد مثلا می گذرد. ولی همه ی اقشار ملت به نوعی تاثیر گرفتند و فعال کردند بخشی از آن را.

پرسش: مثلا ما یک دوستی داریم، مال یکی از روستاهای شیراز است. برای من تعریف می کرد که مسجد ده را کردند ستاد سازمان در همان ده. یعنی دانشکده فنی را ما به عنوان ستاد تهران می دیدیم یا مثلا شما مشهد بوده اید، حتما یک جایی ستادی بوده، یا ساری ولی در ده این ها مسجد را ستاد کرده بودند. این خیلی مهم است، آن هم در یک

چه در سمت و سوی مبارزه ی مسلحانه و چه حتی متعارض با آن. چون کسی که مبارزه ی مشخصی می کرد، مخفی بود دیگر و طبعاً من نمی دیدمش. من زیاد تاثیر وسیع مبارزه ی مسلحانه را جز در همان حال و هوای روشنفکران و یک هواداری زنده از مبارزه ی مسلحانه نمی دیدم. یک هواداری فعال من نمی دیدم. تا زمانی که جنبش های دانشجویی شروع شد و ما نزدیک می شویم به مقطع قیام یا انقلاب، یا هر چه که اسم اش را بگذاریم. تا زمانی که بخش های مختلف جامعه کلا به حرکت در بیایند. آن جاست که طبعاً توی حرکت هایی که مثلا در تبریز صورت می گرفت، ما می بینیم گزارش هایی که از شاخه ی تبریز رسیده و رفیق هاشم هم تلاش کرد و آن ها را در کتابی چاپ کرده، نشان می دهد که تاثیرات عمقی آن مبارزات چه بوده و چه طور خودش را در آن مقطع نشان می دهد. ولی، آن چه که من در محیط کار و اطراف خود می دیدم، تا برسیم به آن جنبش های اجتماعی، زیاد مشهود نبود.

پرسش: وقتی کسی نگاه می کند، حتی توی حوزه ی شعر، که حوزه ی تخصصی ی خود شما هم هست، مثلا تاثیرات این جنبش را مثلا روی شاملو یا مثلا نعمت اذرم یا شعرای دیگر می بیند، یا مثلا می شود در فیلم کوزن ها دید. این ها تاثیرات غیرقابل انکار این جنبش بود.

پاسخ: بله، درست است. تصویری که من از سؤال قبلی داشتم یک نوع تاثیری بود که منجر به شرکت و سمت دادن به فعالیت در صحنه باشد و آمدن به صحنه ی مبارزه ی مسلحانه. ولی این نوع هواداری و هم دلی طبیعی است، این را می شد دید. در کتاب نوعی از نقد بر نوعی از شعر، من نشان داده ام که نه تنها شاملو که طبعاً انتظار از او می رفت، یا شعرای مثل سعید سلطانپور به جای خود، من نشان داده ام که حتی در شاعری مثل سیاوش کسرایی هم سبب تاثیر خودش را می گذارد بطوری که احسان طبری مجبور می شود در مقدمه ی آن کتاب اش (به سرخی آتش به طعم دود)، با یک لحن پدانه ای اندرز بدهد به شاعر آن کتاب، که مثلا چرا از چنین خط تندی دارد پیروی می کند و این احساسی گذرا و مقطعی هست و این ها. این تاثیر را طبعاً در بین شعرا و نویسندگان می بینیم. واقعا بیشترین تاثیر را بین روشنفکران و هنرمندان و بیش از همه در شعرا چون عاطفی تر هستند می بینیم. این مبارزه، یک مبارزه ای است که در واقع اگر بخواهیم مقایسه اش بکنیم با مبارزات دیگر، رمانتیسیم انقلابی درش خیلی مشهود است. احساسات انقلابی، شور و عاطفه، این ها نقش خیلی عمده و ویژه ای در این نوع مبارزه دارد. تمام آن رفاقت

مردم فلسطین در تقابل با صهیونیسم و بنیادگرایی اسلامی



جنایات ارتش اسرائیل بمباران کاروان مردمی ست که به اجبار از شمال غزه خانه و کاشانه خود شون رو ترک کردند و به جنوب غزه می رفتن. چون دولت اسرائیل خطاب به مردم شمال غزه اعلام کرده بود که اگر نمی خواهید کشته بشوید همین الان خانه ها تون و منطقه رو ترک کنید و به جنوب نوار غزه برید. اما همین دولت نژاد پرست کاروان آنها را مورد حملات هوایی قرار داد تا آنجا که به گزارش بی بی سی -که همواره از اسرائیل حمایت می کنه- بیش از ۷۰ نفر که تعدادی از آنها کودکان خردسال بودند کشته شدند. بی بی سی تأیید کرده که این حمله در خیابان صلاح الدین رخ داده که یکی از دو مسیر تعیین شده برای خروج از شمال غزه است. این حمله نشان داد که اسرائیل مثل همیشه حتی به قول و قرار های خودش هم پای بند نیست.

تاکید کنم که اسرائیل در درجه اول دولتی تنیده شده با امپریالیسم آمریکاست که شدیداً از طرف امپریالیست های غربی دیگر مثل انگلیس و فرانسه نیز پشتیبانی می شود. همین قدرت های امپریالیستی بودند که علیرغم همه خشم افکار عمومی نسبت به جنایاتی که اسرائیل در نوار غزه مرتکب شده و میشه، چند روز پیش در شورای امنیت سازمان ملل علیه درخواست قطع بمباران غزه رای دادند.

می دانیم که درگیری های اخیر در هفتم اکتبر به دنبال حمله حماس که یک نیروی بنیادگرای اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی به اسرائیل آغاز شد. در این یورش نیرو های حماس بخشی از دیوار حائل بین غزه با اسرائیل را تخریب کردن و با موشک باران مراکز، یعنی مراکز در مناطق تحت کنترل خود اسرائیل آن ها را مورد حمله قرار دادند تا آنجا که به گزارش منابع اسرائیلی ۱۴۰۰ نفر کشته شدند و تعدادی هم توسط حماس به اسارت گرفته شدند البته اسرائیل هر روز تعداد آنها را بیشتر می کنه فکر کنم الان یک چیزی حدود ۲۱۰ نفر (اسیر) شده اند. دولت اسرائیل همین حمله رو بهانه اعلام جنگ

۷۵ سال گذشته صهیونیست های اسرائیل سرزمین مردم فلسطین رو اشغال کردند و با زور و کشتار و ددمنشی تمام آن ها رو آواره کردند، مردمی که به رغم همه این کشتارها و فشار ها هرگز از مبارزه و مقاومت علیه این اشغالگری دست نکشیدند. یاد همه این مردم مقاوم و مبارز گرامی باد!

از زمان یورش صهیونیست ها به سرزمین فلسطین، بیش از ۷۵ ساله که مردم فلسطین هرگز روی صلح و آرامش رو به خود ندیدن و در بدترین شرایط ممکن اسیر قدرت اشغالگری گشتن که از هیچ جنایتی هم دریغ نمی کنه. از هفتم اکتبر امسال هم شاهدیم که دولت صهیونیستی اسرائیل دست به بمباران وحشیانه مردم در نوار غزه زده و برای رسیدن به اهداف خودش از هیچ جنایتی کوتاهی نمی کنه. حتما شنیده اید که روز سه شنبه ۱۷ اکتبر اسرائیلی ها بیمارستانی در غزه را بمباران کردند که در جریان این اقدام وحشیانه بر مبنای گزارشات منتشر شده بیش از ۴۰۰ نفر کشته شدند. این کشتار عامدانه که واقعا با هیچ منطقی جز منطق صهیونیستها قابل توجیه نیست؛ یکی از مرگبارترین حمله های هوایی اسرائیل از سال ۲۰۰۸ تاکنون اعلام شده. بیشتر کشته شدگان هم بیماران و همچنین کودکان و زنانی بودند که برای فرار از حملات هوایی اسرائیل به این بیمارستان پناه آورده بودند. البته با توجه به شدت وحشی گری ارتش اسرائیل در این عمل، دولت اسرائیل فریبکارانه این حمله را انکار کرد و آن را کار خود اسلامگرایان فلسطینی مثل مثلا گروه جهاد اسلامی اعلام کرد، البته این ادعا مورد پذیرش هیچ آزادیخواهی که با جنایات اسرائیل آشنائی داره قرار نگرفت و نمی توانه هم بگیره؛ به خصوص که رئیس سابق موساد در گفتگو با یک شبکه اسرائیلی با صراحت گفته بود که بیمارستانی که سپر انسانی برای فلسطینی ها باشه باید نابود بشه. یعنی بروشنی ارتش اسرائیل برخی بیمارستانها را جز اهداف بمباران های خودش قرار داده بود. نمونه دیگری از

توضیح: آنچه در پی می آید متن سخنرانی رفیق فریرز سنحری در رابطه با بحران جاری در فلسطین است که در تاریخ یکشنبه ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲ در اتاق چریکهای فدایی خلق ایران (بذره های ماندگار) در کلاب هاوس ایراد شده است. این سخنرانی از حالت گفتار به نوشتار تبدیل و با برخی ویرایشهای جزئی به این ترتیب به نظر علاقه مندان می رسد.

با درود های گرم به همه حاضرین در جلسه و تشکر از مسئولین اتاق بذره های ماندگار که امکان بحث و گفتگو با شما عزیزان را در مورد یکی از رویدادهای مهم وضعیت کنونی در خاورمیانه فراهم کردند. همانطور که می دانید عنوان بحث امروز در باره تقابل مردم فلسطین با صهیونیسم و بنیادگرایی اسلامی می باشد. درگیری های حماس و اسرائیل و حملات وحشیانه ارتش اسرائیل به نوار غزه و کشتار مردم فلسطین واقعی است که امروز ذهن همه رو در سراسر جهان به خود مشغول کرده و ما شاهد تظاهرات های انبوه مخالفین این جنایت و کشتار در شهرهای مختلف آمریکا و اروپا و خاورمیانه هستیم. ارتش اسرائیل با بمباران و کشتار مردم نوار غزه هر روز تعداد بیشتری از مردم فلسطین رو به قتل می رسانه. الان که من با شما دارم صحبت می کنم طبق آمارهایی که منتشر شده، بیش از چهار هزار فلسطینی کشته شدند و بیش از ده هزار نفر مجروح شده اند، ارقامی که هر روز -و یا بهتره که بگویم هر ساعت چون دقیق تره - این ارقام در حال افزایشه و تعداد بیشتری از مردم فلسطین به دست ارتش اسرائیل نابود می شوند. با توجه به این واقعیات قبل از شروع صحبتم مایلیم در همبستگی با مردم تحت ستم فلسطین یاد و خاطره همه آنهایی که جانشان را در راه آرمانهای بر حق مردم فلسطین فدا کردن راگرامی بدارم؛ یعنی یاد هزاران زن و کودک و پیر و جوانی که در طول سالها توسط صهیونیستها خونشان به زمین ریخته شد و جانشان رو از دست دادند. در

می باشد. اگر شما به رسانه های غربی نگاه کنید همه این رسانه ها، روزنامه ها و رادیو و تلویزیون ها مملو از این خطه، مملو از اخباری که این خط رو تعقیب می کنه آن ها با برجسته کردن وحشیگری های حماس و تروریسم بنیاد گرایان اسلامی که یک نیروی مرتجع هستند که ماهیت و اعمالشان هم بر کسی پوشیده نیست، دستان خونین خودشون رو در واقع می خواهند بشورند. در حالیکه همانطور که اشاره کردم جنگ اسرائیل با خلق فلسطین بیش از ۷۵ ساله که ادامه داره و وحشیگری های ارتش اسرائیل را نمی شود با حملات حماس توجیه کرد. اگر به تاریخ شکل گیری دولت اسرائیل نگاه کنیم این دولت حتی زمانی که جریان بنیادگرایی (اسلامی) همچون حماس یا جهاد اسلامی وجود نداشت هیچ روزی نبوده از آن موقع تا حالا که تعدادی از مردم فلسطین را نکشته باشد. برای نمونه صهیونیستهای اسرائیل پس از اعلام

موجودیت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ کشتار خونین "دیرپاسین" را شکل دادند که به عنوان یکی از فجیع ترین کشتارهای مردم فلسطین توسط صهیونیستها در تاریخ ثبت شده. در این فاجعه صهیونیست ها از اجساد قربانیان خود شون عکس می گرفتند و در روستاها این عکس ها را پخش می کردند و در اعلامیه های خودشون می نوشتند: "اگر روستاها را تخلیه نکنید به این سرنوشت دچار می شوید". امروز هم از طریق هواپیماهایشان اعلامیه پخش می کنند در غزه و تهدید می کنند که اگر غزه را ترک نکنید کشته می شوید. بنابراین باید دوست که جنگ اسرائیل نژادپرست و اشغالگر با مردم فلسطین امروز شروع نشده، در ۷ اکتبر شروع نشده و ۷۵ ساله که ادامه داره. در تمام این سالها هم آنها مرتکب جنایات وحشیانه ای علیه مردم فلسطین شده اند. فجایعی همچون تل زعتر، صبرا و شتیلا کشتار توده های ستم دیده فلسطینی در اردوگاه پناهندگی "جنین" اینها تنها نمونه هایی از وحشیگری های دولت و ارتش اسرائیل هستند.

مورد دیگری که ما بملم در اینجا باز هم روش تاکید کنیم این امر است که دولت اسرائیل با برجسته کردن عملکردهای حماس به عنوان یک جریان بنیادگرای اسلامی، سعی داره خلق فلسطین در غزه را در افکار عمومی با حماس یکی جلوه بده. در حالیکه بخش بزرگی از مردم فلسطین نه تنها اساساً به حماس اعتقادی ندارند، بلکه آنها در غزه بارها علیه سیاستها و عملکردهای استثمارگرانه و سرکوبگرانه حماس و فساد این دار و دسته دست به اعتراض زده اند. تازه، نباید فراموش کرد که حماس خودش زاده سیاستهای دولت اسرائیل. در واقع حماس با کمک اسرائیل و جهت تضعیف سازمان آزادیبخش فلسطین و همچنین به

دستگاه تبلیغاتی اسرائیل و حامیان امپریالیستش چنین جلوه می دهند که حملات وحشیانه اخیر اسرائیل به مردم غیر نظامی فلسطین به خاطر حملات حماس در ۷ اکتبر یعنی ۱۵ مهر می باشد. اگر شما به رسانه های غربی نگاه کنید همه این رسانه ها، روزنامه ها و رادیو و تلویزیون ها مملو از این خطه، مملو از اخباری که این خط رو تعقیب می کنه آن ها با برجسته کردن وحشیگری های حماس و تروریسم بنیاد گرایان اسلامی که یک نیروی مرتجع هستند که ماهیت و اعمالشان هم بر کسی پوشیده نیست، دستان خونین خودشون رو در واقع می خواهند بشورند. در حالیکه همانطور که اشاره کردم جنگ اسرائیل با خلق فلسطین بیش از ۷۵ ساله که ادامه داره و وحشیگری های ارتش اسرائیل را نمی شود با حملات حماس توجیه کرد.

بایدن از ۷ اکتبر امسال تا به حال خودش تأییدیه بر همین واقعیت. درست با آغاز حمله ارتش اسرائیل به مردم غزه، آمریکا فوراً ناو هواپیمابر "جرالد فورد" رو به نزدیک سواحل اسرائیل فرستاد تا به این وسیله به مهاجمین صهیونیست قوت قلب بده و بایدن هم تاکید کرد که "اسرائیل آنچه را برای دفاع از خود نیاز دارد" حتما دریافت خواهد کرد. بعد هم به رغم بمباران بیمارستانی در غزه توسط اسرائیل و کشتار وحشیانه بیماران و کودکان، به اسرائیل سفر کرد تا هم اعلام کنه که به گفته خودش "اسرائیل تنها نیست" و هم بر این ادعای دروغ و حیلله گرانه اسرائیل که بمباران بیمارستان رو تکذیب می کرد صحه بگذاره و مدعی بشود که گویا بیماران بیمارستان مزبور کار اسرائیل نبوده است.

اهمیت درک این موضوع که در پشت اسرائیل امپریالیسم آمریکا و امپریالیست های غربی دیگر قرار دارند در اینه که تأکید بشه که مردم فلسطین اگر می خواهند به مطالبات برحق خودشون از جمله حق تعیین سرنوشت خویش دست پیدا کنند باید بدانند که دشمنانشان چه نیرو هائی هستند که بدون نابودی سلطه آنها هم به آزادی دست نخواهند یافت. بگذارید من اینجا حالا یک حاشیه بروم و یک اشاره ای بکنم به قضیه مردم خودمان در جریان انقلاب ۱۳۵۷ که دشمن رو با همه چهره هاش نمی شناختند و ما دیدیم که چطور امپریالیستها دار و دسته خمینی رو به عنوان دوست مردم تبلیغ کردند و بر این مردم تحمیل کردند و بعد هم به وسیله آنها چه جنایاتی علیه این مردم که نکردند.

موضوع بعدی که باید بر آن تاکید کنیم این واقعیه که دستگاه تبلیغاتی اسرائیل و حامیان امپریالیستش چنین جلوه می دهند که حملات وحشیانه اخیر اسرائیل به مردم غیر نظامی فلسطین به خاطر حملات حماس در ۷ اکتبر یعنی ۱۵ مهر

با حماس و اعلام وضعیت جنگی در اسرائیل کرد و بمباران غزه و کشتار فلسطینی های غیر نظامی رو در دستور کار خودش قرار داد که تا به امروز هم ادامه داره. نوار غزه منطقه ای است که بیش از ۲ میلیون نفر فلسطینی که بخش بزرگی از آنها را کودکان فلسطینی تشکیل می دهند، در آنجا زندگی می کنند. اما به رغم این واقعیت نخست وزیر اسرائیل با بی شرمی تمام از با خاک یکسان کردن غزه سخن گفت و اصلاً برایش مهم نبود که در جریان این بمبارانها قیل از هر چیز مردم بی دفاع کشته می شوند.

برای اینکه ابعاد این بمبارانهای ددمنشانه بیشتر روشن بشه تنها اشاره می کنم که به گزارش خود ارتش اسرائیل در همان یک هفته اول بیش از ۶۰۰۰ بمب به وزن ۴۰۰۰ تن روی غزه ریخته شده که به گزارش رسانه های غربی نزدیک به مجموع بمب هائی ست که ایالات متحده آمریکا در طول یک سال در افغانستان علیه مردم این کشور استفاده کرده. من دیگر به جزئیات محاصره غزه و اینکه اسرائیلی ها آب و نان و دارو و سوخت و برق رو به روی مردم این منطقه بستند و تأثیر این محاصره بر زندگی مردم و گرسنگی دادن به کودکان نمی پردازم و چیزی نمی گویم؛ چون بدون شک در جریان رویداد های جنگ اسرائیل با مردم فلسطین در غزه هستید و شنیده اید که وزیر دفاع فاشیست اسرائیل مردم غزه را حیوانهائی انسان نما نامید که محاصره و بمباران آنها را مواجه جلوه بدهد. بنابراین به تشریح همه آنچه که در اون جا داره می گذره نمی پردازم و تمرکز بحث رو روی چند نکته قرار می دهم که به باور ما شناخت آنها برای درک آنچه امروز در خاورمیانه داره می گذره الزامیه.

اولین نکته اینه که دولت صهیونیستی اسرائیل تنیده است با امپریالیسم آمریکا. هر تحلیلی که این واقعیت رو نادیده بگیره قادر به درک سیاستهای اشغالگرانه اسرائیل و امکان تداوم اشغالگری و تجاوزات مکررش به خلق فلسطین نخواهد بود. به واقع اسرائیل از بدو تولدش یعنی از اون موقعی که موجودیت پیدا کرد در ۱۹۴۸ تا امروز عزیز دردانه امپریالیسم آمریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی غرب بوده و هنوز هم هست. حتما در شبکه های اجتماعی در جریان هستید و شنیده اید که بایدن رئیس جمهور فعلی آمریکا سالها پیش در دفاع از کمک های آمریکا به اسرائیل گفته بود که "اگر اسرائیلی وجود نداشت برای حفظ منافع آمریکا در منطقه باید اسرائیلی می ساختیم". چون در زمینه تنیدگی اسرائیل با آمریکا دهها فاکت وجود داره بیشتر به آن نمی پردازم. اما تنها نگاهی به عکس العمل دولت

اسرائیل خواهان چنین رویدادی بودند. همانطور که امریکائی ها به بهانه ۱۱ سپتامبر، جنایتکارانه ترین سیاستها رو در خاورمیانه و جهان پیش بردند، حال دولت اسرائیل هم مدعیه که حماس با عملیات ۷ اکتبر آنها را غافلگیر کرده و حال آنها برای مقابله گویا با حماس در صددند خاورمیانه رو تغییر شکل بدهند. درست به این دلیل که آنها هشدار دولت مصر رو در این رابطه نادیده گرفتند که از چند روز قبل از این حمله، حمله حماس به اسرائیل رو به اون ها اطلاع داده بود و مطرح کرده بود که حرکات بزرگی در پیشه. اما اسرائیلی ها توجه نکردند. یعنی منافعشان ایجاب می کرد که توجه نکنند یک مورد دیگه از این بی توجهی ها یا اگر بخواهم به درستی گفته باشم خود را به کری زدن دولت اسرائیل اظهارات مادر یکی از همین سربازان اسرائیلی به نام رونی اشل می باشه که الان هم کسی از سرنوشتش خبر نداره و به همین دلیل هم مادرش به صدا درآمده. این سرباز در کنار حصار بین غزه و اسرائیل نگهبانی می داده. مادر وی می گوید چند روز پیش از حمله حماس این سرباز و همکارهاش اوضاع غیر عادی محل خدمتشون را به مقامات بالاتر گزارش دادند و حال این مادر می پرسد چرا "هیچ کس به هشدار آن ها که اوضاع غیرعادی است گوش نداد". یعنی سربازان اسرائیلی شاهد تحرکاتی بودند در اون طرف دیوار که غیر عادی بود اما رهبران آنها توجه ای به گزارشات آنها نمی کردند!

علاوه بر چنین شواهدی که نشان می دهد که مسئولین دولت اسرائیل پیشاپیش از حمله حماس مطلع بودند، از سوی دیگر ما می دونیم که اسرائیل همواره به قدرت سازمانهای جاسوسی خودش می بالید و حتی گفته می شد که آنها چگونه برخی از مسئولین پروژه اتمی جمهوری اسلامی رو در داخل ایران ترور کردند. خوب چطور می شه چنین سازمانهایی با چنین امکاناتی متوجه تدارکات حماس برای چنین حمله بزرگی آنهم در بیخ گوش خودشون نشده باشند؟ و اگر متوجه شدند چرا آنها نادیده گرفتند؟ این واقعیات نشان می دهند که انجام چنین عملیاتی از طرف حماس که آنها یعنی حماسی ها طی آن تعداد زیادی از شهروندان اسرائیلی را به قتل رساندند، دست اسرائیل را باز می گذاشت تا اون کاری را که با غزه داره می کند را بتواند انجام بده و به قول وزیر دفاع فاشیست اسرائیل "واقعیت را تا نسلها تغییر خواهد داد". فایده دیگر جنایت حماس برای دولت اسرائیل یا به عبارت دقیق تر، فاشیستهای دولت راست افراطی اسرائیل آن بود که آنها در داخل اسرائیل با امواج بزرگی از اعتراض روبرو بودند و حتی صحبت از این بود که نخست وزیر اسرائیل (نتانیاوو) را به خاطر فساد دادگاهی کنند. در این رابطه هم آنها به چنین عملیاتی نیاز داشتند تا با اعلام شرایط جنگی خودشون رو از مخمصه ای

این که حماس خودش زاده سیاستهای اسرائیله این واقعیت که اسرائیل حماس را ساخت و پرورش داد، البته امر پوشیده ای هم نیست و امری است که خیلی از طرفداران اسرائیل هم به آن اذعان دارند. به این واقعیت حتی سفیر پیشین آمریکا در عربستان یعنی "چارلز فریمن"، اذعان کرد و تأیید کرد که "حماس را اسرائیل پدید آورد" و اضافه کرد که: "این نقشه‌ی «شین بت» (سازمان امنیت ملی اسرائیل) بود که فکر می کرد حماس می‌تواند سازمان آزادیبخش فلسطین را به حاشیه براند". در این سخنان آشکار است که صهیونیست های اسرائیلی با این هدف که با کمک افراطیون مذهبی اسلامی بتوانند ناسیونالیسم فلسطینی و نیروهای انقلابی فلسطینی رو به حاشیه برانند و شکست دهند، دست به ساختن حماس زدند.

همان ابتدا اعلام کردن بدون پوشش امنیتی محافل قدرتمندی در خود آمریکا امکان پذیر نبود. در آن زمان محافلی در آمریکا برای تکیه هر چه بیشتر بر میلیتاریسم و جنگ و اعلام سیاست "جنگ بی پایان" به یک دستاویز احتیاج داشتند که حمله به برج های دو فلو در نیویورک و حمله به پنتاگون این دستاویز را در اختیار آنها گذاشت تا به راحتی افغانستان را مورد حمله نظامی قرار بدهند، با این ادعا که بن لادن مسئول القاعده - که این عملیات را می گفتند آنها کردند- در افغانستان زندگی می کنه و به این بهانه رفتند و افغانستان را بمباران کردند و فراموش کردند که همین بن لادنی که به خاطرش افغانستان را بمباران کردند بنا به گزارش فیکارو - نشریه فرانسوی- مامور سازمان سیا(CIA) در بیمارستان دبی رفته بود به دیدن او و ملاقات کسی که مثلا این قدر خطرناک بود و تحت تعقیب نیرو های آمریکا بود و به خاطرش افغانستان را بمباران می کردند؛ معلوم شد رابطه تنیده ای هم با سیا دارد. به هر حال این رو می گفتم که با این دستاویز افغانستان را بمباران کردند و بعد هم عراق را به خاک و خون کشیدند. رویداد ۱۱ سپتامبر که به نوبه خودش خیلی هم جنایتکارانه بود، دشمنی به نام تروریسم رو با همه مزایائی که برای امپریالیستها در بر داره، وارد صحنه سیاست در جهان کرد تا امریکائی ها هر زمان که لازم داشتند به بهانه آن بر طبل جنگ بکوبند و علاوه بر همه نعمت هائی که از این طریق برای خود شون کسب می کنند، صنایع نظامی و کارخانه های اسلحه سازی خودشون را هم رونق بدهند.

پس اگر واقعا ۷ اکتبر همان ۱۱ سپتامبر اسرائیله باید دید که -بر اساس اون صحبتی که کردم- کدام محافلی در خود

عنوان مانعی در جهت انقلاب و رشد و گسترش نیروهای کمونیست و واقعا انقلابی در بین فلسطینیان شکل گرفت. خوب وقتی که ما فلسطین و حماس را مساوی هم قرار بدهیم به بهانه کار های حماس این امکان را هم پیدا می کنیم که مثلا اگر در یک خانه ای در اتریش کسی پرچم فلسطین را از پنجره اش آویزان کرده باشه پلیس برود و او را دستگیر کند. یا اینکه اگر در برلین یک خانمی یک شعار به نفع انقلاب فلسطین روی کاغذ نوشته باشد پلیس آلمان برود و او را دستگیر کند. این نتیجه ای است که امروز نیرو های استعمارگر حاکم از این تبلیغات می گیرند. به هر حال این را داشتیم می گفتم این که حماس خودش زاده سیاستهای اسرائیله این واقعیت که اسرائیل حماس را ساخت و پرورش داد، البته امر پوشیده ای هم نیست و امری است که خیلی از طرفداران اسرائیل هم به آن اذعان دارند. به این واقعیت حتی سفیر پیشین آمریکا در عربستان یعنی "چارلز فریمن"، اذعان کرد. او تأیید کرد که "حماس را اسرائیل پدید آورد" و اضافه کرد که: "این نقشه‌ی «شین بت» (سازمان امنیت ملی اسرائیل) بود که فکر می کرد حماس می‌تواند سازمان آزادیبخش فلسطین را به حاشیه براند". در این سخنان آشکار است که صهیونیست های اسرائیلی با این هدف که با کمک افراطیون مذهبی اسلامی بتوانند ناسیونالیسم فلسطینی و نیروهای انقلابی فلسطینی رو به حاشیه برانند و شکست دهند، دست به ساختن حماس زدند. این همان کار و سیاستیه که اربابان امریکائی آنها در ایران و افغانستان هم کردند. در افغانستان با سازماندهی و تجهیز مجاهدین افغان علیه ارتش شوروی چکار کردند؟ یک نیروئی را علیه آنها ایجاد کردند که با شوروی تحت این پوشش بجنکد. یا در ایران جمهوری اسلامی را جهت سرکوب انقلاب مردم به قدرت رساندند. در آن زمان هم همه آنها می خواستند برای مبارزه با شوروی سابق کمربند سبزی دور شوروی بکشند که البته نتیجه این سیاست را بیش از چهل سال است ما با پوست و گوشت خودمون داریم احساس می کنیم. امپریالیست ها با سیاست کمربند سبز- که مبتکرش برژینسکی بود- و روی کار آوردن جمهوری اسلامی، چماقی برای سرکوب مبارزات مردم ایران ساختند که هنوز هم دارند نانش رو می خورند.

به نکته بعدی پردازم و اون اینه که اسرائیلی ها و ارباب شان آمریکا تبلیغ می کنند که ۷ اکتبر، ۱۱ سپتامبر اسرائیله. حتی صدای آمریکا یک برنامه مخصوص داره که ۷ اکتبر همان ۱۱ سپتامبر اسرائیله. اگر چنین مقایسه ای جایز باشد، باید دانست که سیر رویدادها و هزاران سندی که تاکنون منتشر شده ثابت کرده که واقعه ۱۱ سپتامبر در آمریکا همانطور که چریکهای فدائی خلق از

بگذارید این صحبت رو با تاکید بر این واقعیت که آبخور صهیونیسم و بنیادگرانی اسلامی همانا امپریالیسم و منافع امپریالیسم می باشد به پایان برسانم. واقعیت اینه که مردم هشیار جهان این امر رو در سازماندهی مجاهدین اسلامی در افغانستان، قدرت گیری جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷، به وجود آوردن داعش، شیوه برخورد با بن لادن و القاعده و دهها مورد دیگر دیده و درک کرده اند. به باور ما صهیونیسم و بنیادگرانی اسلامی دشمنان قسم خورده خلقهای منطقه اند و دست در دست هم در حال پیشبرد سیاستهای امپریالیسم آمریکا و شرکایش در منطقه و جهان می باشند. بنابراین انقلاب خلقهای منطقه برای پیروزی باید این نیروها را آماج حملات خودش قرار بدهد.

ما ضمن تشریح این نکات و مخالفت با صهیونیسم و بنیادگرانی اسلامی و پشتیبانی از قطع فوری درگیری های کنونی و نسل کشی فلسطینی ها توسط ارتش اسرائیل و لغو محاصره غزه، بر حق تردید ناپذیر خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خودش تاکید داریم. ما همانطور که از دیرباز و ستم و جنایاتی که ۷۵ ساله توسط صهیونیست ها بر مردم فلسطین روا می شود، نابودی سلطه امپریالیسم و صهیونیسم این دشمنان واقعی مردم فلسطین در منطقه می باشد. تنها در این صورتی که این توده ها می توانند در کنار هم دیگر، در کنار توده های ساکن در این سرزمین در یک شرایط دموکراتیک آینده خودشان رو در صلح و آرامش بسازند.

به امید همبستگی خلقهای خاورمیانه علیه امپریالیسم و صهیونیسم برایتان پیروزی آرزو می کنم. به امید اینکه در بخش پرسش و پاسخ زوایای مختلف این بحث را هر چه بیشتر باز نگری کنیم و رویش متمرکز شویم و به درک های بیشتر و عمیق تری برسیم. پیروز باشید.

از روی تبلیغات ظاهری نباید به تحلیل موضع کشورها و سیاستهای آنها پرداخت. بلکه برای فهم رویدادها باید از ظواهر امور گذر کرد و به واقعیت های عینی توجه کرد. مگر فراموش کرده ایم که در جریان جنگ ایران و عراق همین سردمداران جمهوری اسلامی در حالیکه خواهان نابودی اسرائیل بودند و علیه آمریکا شعار می دادند و آمریکا هم مثلا آنها را تحریم کرده بود مهماندار هیئت مک فارلین از اعضای شورای امنیت ملی آمریکا و اسرائیلی هائی بودند که موشک های مورد نیاز جمهوری اسلامی در جنگ با عراق را تهیه می کردند. رسوائی مک فارلین که به "ایران گیت" هم معروف شد بروشنی نشان می داد که ریگان و خمینی و بگین -نحست وزیر اسرائیل- در واقع اجرا کننده نقش هائی متفاوت در نمایشی بودند که تماما به نفع آمریکا بود.

علیه آمریکا شعار می دادند و آمریکا هم مثلا آنها را تحریم کرده بود مهماندار هیئت مک فارلین از اعضای شورای امنیت ملی آمریکا و اسرائیلی هائی بودند که موشک های مورد نیاز ارتش جمهوری اسلامی در جنگ با عراق را برایشان تهیه می کردند. رسوائی مک فارلین که به "ایران گیت" هم معروف شد بروشنی نشان می داد که ریگان و خمینی و بگین -نحست وزیر آن موقع اسرائیل- در واقع اجرا کننده نقش هائی متفاوت در نمایشی بودند که تماما به نفع آمریکا بود. این واقعیت هارا نباید فراموش کرد و با توجه به همین واقعیتها باید به اون کینه روابط جمهوری اسلامی و اسرائیل پی برد. مردم ایران باید بدانند که در چهل سال گذشته هیچ نیروئی مثل جمهوری اسلامی به نفع اسرائیل حرکت نکرده پس این شعارهای پوشالی و مخالفتهای نمایشی را باید کنار گذاشت و فهمید وقتی جمهوری اسلامی مجری سیاستهای آمریکا در منطقه است پس بدون اجازه ارباب بر خلاف منافع عزیز دردانه آمریکا یعنی اسرائیل یک گام واقعی هم بر نخواهد داشت .

که در آن گرفتار بودند، نجات بدهند. به هر حال این هم یکی دیگر از سود های این وضعیت جنگی برای این دولت حاکمه.

اگر توجه کنیم که یکی از سیاستهای همیشگی اسرائیل اشغال خاک فلسطین و ضمیمه کردن اون به قلمرو اشغال شده قبلی می باشه معنی این عربده های با خاک یکسان کردن غزه، و تغییر نقشه خاورمیانه، که مسئولین دولت و ارتش اسرائیل هر روز سر می دهند برآیمان ملموس تر می شه. می بینیم که چه کسانی در صداندن تا با دستاویز شرایط جنگی پیش آمده قلمرو سرزمین های اشغالی خود شون رو باز هم بیشتر گسترش بدن. بی جهت هم نیست که در مقابل این دندان تیز کردن صهیونیست های اسرائیلی برای اشغال کامل نوار غزه، رئیس جمهور آمریکا -که حالا افتخار می کنه که خودش هم یک صهیونیسته- مجبور شد که رسما اعلام کنه که : اشغال غزه کار اشتباهی است .

مورد آخری که مایلیم بر اون تاکید کنم این واقعیه که با توجه به حمایتهای آشکار جمهوری اسلامی از حماس و حزب الله لبنان و میلیونها دلاری که این رژیم جنایتکار صرف تقویت این نیروها می کنه مناسفانه شاهد گوش های شنوائی در میان مردم خودمان جهت پذیرش تبلیغات صهیونیستها و نژاد پرستان اسرائیلی هستیم من از سلطنت طلبان نمی گویم که رهبرشان برای گدائی حمایت صهیونیست ها به دیوار ندبه پناه برد. منظور من مردمیه که فریب مخالفتهای ظاهری اسرائیل و جمهوری اسلامی را می خورند. این ها چنان خودشان رو اسیر تبلیغات رسانه های ارتجاعی کردند که انکار چشمانشان قادر به دیدن صحنه های بسیار دهشتناک جنایات ارتش اسرائیل علیه مرد و زن و کودکان (فلسطینی) در منطقه غزه نیست. کونی نفرت بر حقشان از جمهوری اسلامی گوش هایشان رو هم بر این واقعیت بسته که ۷۵ ساله که نژاد پرستهای صهیونیست، سرزمین خلق فلسطین را اشغال و این مردم ستمدیده رو در رنج و غذاب قرار دادند. یعنی از سالها پیش از آن که حماس و جهاد اسلامی و دیگر بنیادگراهای اسلامی اصلا ساخته شده باشند و به وجود آمده باشند.

این تیپ ها توجه نمی کنند که از روی تبلیغات ظاهری نباید به تحلیل موضع کشورها و سیاستهای آنها پرداخت. بلکه برای فهم رویدادها باید از ظواهر امور گذر کرد و به واقعیت های عینی توجه کرد. مگر فراموش کرده ایم که در جریان جنگ ایران و عراق همین سردمداران جمهوری اسلامی در حالیکه خواهان نابودی اسرائیل بودند و

توضیح پیام فدایی: به علت تراکم مطالب این شماره از "پیام فدایی"، درج چند مطلب ترجمه شده در باره اوضاع جاری در فلسطین اشغالی و نسل کشی فلسطینیان توسط اشغالگران اسرائیلی و حامیان امپریالیستشان امکان پذیر نشد. این مقالات حاوی اطلاعات و دیدگاه های مختلف در ارتباط با بحران کنونی در منطقه می باشد که در سایت چریکهای فدایی خلق ایران، "سیاهکل" موجود است و علاقه مندان می توانند از طریق لینکهای زیر به آنها دسترسی پیدا کنند:

- ۱- آنچه که بی.بی.سی. در مورد حوادث ۱۵ مهرماه (۷ اکتبر) به شما نمی گوید. - [چریکهای فدایی خلق ایران](#)
- ۲- شواهد بسیاری نشان می دهند که اسرائیل ممکن است آماده «پاکسازی» غزه باشد. - [چریکهای فدایی خلق ایران](#)
- ۳- [قیام در فلسطین!](#) - [چریکهای فدایی خلق ایران](#)
- ۴- [طرح دیرینه اسرائیل برای راندن مردم غزه به سینا اکنون امکان پیاده کردن دارد!](#) - [چریکهای فدایی خلق ایران](#)

"افغان ستیزی"، جلوه ای از ماهیت فاشیستی و ضد خلقی جمهوری اسلامی!



تصویری از به قفس انداختن و نمایش مهاجران افغان در سیرار

تهران سری بزید تا از عمق فاجعه ای که در راه است مطلع شوید. این واقعیت را هم باور کنید که با چشم خود دیدن و با گوش خود شنیدن، تفاوت زیادی با خواندن گزارش های اطرافیان دستگاه دارد، «شنیدن کی بود مانند دیدن» را برای چنین روزهایی گفته اند.

همچنین به تاریخ ۲۲-۲-۱۴۰۲ در تیتیر روزنامه جمهوری اسلامی نوشته شده است: "جنوب تهران در اشغال افغان ها! این یک موضوع کاملاً امنیتی است" تیتیر این روزنامه با واکنش شدید کاربران فضای مجازی مواجه شده که در اینجا به چند نمونه آن نگاه می کنیم. رها: از مطالبی که در این روزنامه درج شده نباید ساده گذشت: چون با ترسیم یک چهره زشت علیه مهاجرین میخواند مردم رو با مهاجرین وارد درگیری کنه.....حالا با چه هدفی خدا میدونه....

s.gh: من می نویسم "روزنامه جمهوری اسلامی" شما بخونید: روزنامه انگلیسی-آمریکایی. هدف از این تیتیر تهران در اشغال افغان ها چیست؟

حسانه: آقایون مسئول نمی خواد شما به خودتون زحمت بدین و نظارت کنید. من به شما معرفی می کنم، روزنامه ای که با تمام قوا کشور رو به سمت درگیری با همسایگان سوق میدهد روزنامه جمهوری اسلامی است، البته باید نامش را گذاشت روزنامه نفوفاشیستی. اگر خسته نمی شید به نیم نگاهی به این روزنامه بیندازید.

hiloo: یک روزنامه داخلی جمهوری اسلامی خیلی صریح اومده گفته (جنوب در اشغال افغان ها) مثل اینکه نوبت این شده که آغاز کنه، درگیری هارو علیه مردم و مهاجرین. وقتی میکم نباید ساده از کنار روزنامه ها گذشت یعنی اینکه مشخص بشه چه اهدافی وجود داره!!" و همانطور که دیده می شود واکنش های کاربران فضای مجازی چهره نژاد پرستانه و افغان ستیزانه رژیم منفور حاکم را در سطح مردمی بخوبی توضیح داده اند که دیگر احتیاجی به توضیح آن نمی باشد.

کارگران، زحمتکشان و مهاجرین افغان که در اثر فجایع ناشی از چهار دهه جنگهای خانمان برانداز و ویران کننده امپریالیستها و دار و دسته های مزدور مجبور به ترک خانه و کاشانه خویش و پناه آوردن به کشورهای منطقه نظیر پاکستان و ایران شده اند همچون کارگران و دیگر اقشار زحمتکش کشورمان تحت استثمار شدید سرمایه داران زالو صفت حاکم قرار دارند و در مبارزه علیه رژیم خونخوار جمهوری اسلامی که باعث فقر، تنگدستی، بیکاری، ستم و سرکوب و تفرقه و غیره می باشد دارای دردی مشترک می باشند.

واقعیت این است که دهه هاست که کشور افغانستان مورد هجوم وحشیانه نیروهای امپریالیستی و مزدورانش

شکی نیست که این حملات وحشیانه، نه به خاطر نفرت توده های محروم و زحمتکش ایرانی - آنطور که سران تبهکار رژیم تبلیغ می کنند- از هم زنجیران افغانستانی خود، بلکه یک برنامه سازمان یافته از سوی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی است که با تشدید بحران های عمیق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی خود و خیزش انقلابی مردم جان به لب رسیده سعی در به انحراف کشاندن مبارزات اصلی مردم داشته و به عنوان یکی از حربه های غیرانسانی ضد خلقی خویش با این ابزار به ایجاد تفرقه و نفاق در بین توده های محروم و به جان آمده و سوق دادن آنها علیه پناهجویان و مهاجران بیدفاع و بیگناه افغان را دارد.

عوامل رژیم و رسانه های وابسته به آن در تلاش هستند که با دروغ، فریب و ایجاد اختلاف و نزاع در بین توده های تحت ستم ایران و کارگران و زحمتکشان افغانستانی، افغان ستیزی را به فرهنگی رایج در جامعه تبدیل کنند. حقیقت این است که کارگران، مهاجرین و پناهجویان در طول سالیان اقامت شان در ایران در زیر فشار رژیم جمهوری اسلامی از بیشترین خشونت ها، تبعیض ها، تحقیر ها، بی حقوقی ها، ستم ها و غیره رنج برده اند. اما سردمداران رژیم حاکم بر آنند که تمام مصائب و مشکلات جامعه مانند بیکاری، کمبود مسکن، افزایش جرم و جنایت، افزایش قیمت نان، افزایش هزینه زندگی و غیره را به گردن ستمدیدگان افغانستانی مقیم ایران بیندازند.

برای مثال نگاهی به تیتیر روزنامه جمهوری اسلامی با عنوان (هشدار جمهوری اسلامی از فاجعه هجوم مهاجران افغان به ایران) از سایت خبر آنلاین می کنیم که در آن چنین نوشته شده است: "پیشنهاد می کنم مسئولان ارشد کشور بصورت ناشناس و بدون تشریفات و پس فنگ و پیش فنگ به شهر های مختلف سفر کنند و به میان مردم بروند و از نزدیک به حضور آنان آشنا شوند. اگر فرصت این کار را در سطح گسترده کشوری ندارید، به همین تهران و حداکثر شهر ری و مناطق جنوب

در امتداد سیاست های به غایت ارتجاعی و نژاد پرستانه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی نسبت به پناهندگان افغان مقیم ایران، یک بار دیگر مردم ما شاهد موجی از افغان ستیزی و وحشی گری رژیم ضد انسانی حاکم علیه صدها هزار مهاجر ستم دیده افغان در شهرهای مختلف ایران می باشند که تازه ترین آن در روز پنجشنبه ۱۲ مهر در شهرک اقبالیه قزوین اتفاق افتاد. در این تاریخ جمعی از افرادی که در خبرها از آنها به عنوان "اهالی" این شهرک نام برده شد با سر دادن شعارهایی مانند "توپ، تانک، فشفشه، افغانی باید گم بشه" موجی از افغان ستیزی، ترس و نفرت پراکنی را دامن زدند. تصور چهره وحشتزده زنان و کودکان افغان که از ترس لت و پار شدن به دست مزدوران و مرتجعینی که علیه آنها به این شهرک لشکرکشی کرده بودند، خود را در خانه هایشان محبوس کرده بودند دل هر انسان آزادیخواه و دشمن واقعی ظلم و ستم و سرکوب را به درد آورد.

در مورد تعرض سازمان یافته اوباشان رژیم فاسد جمهوری اسلامی و برخی از ارادل و اوباش لمپن مآب و ناآگاه علیه افغانها در هفته های اخیر می توان به چند نمونه دیگر نیز اشاره کرد. یکی از این موارد مربوط به حمله اوباشان رژیم به خانه های پناهجویان و مهاجرین افغان در منطقه کشتارگاه یزد بود که در جریان آن مهاجمین در میان سکوت و حمایت نیروهای رسمی به اصطلاح انتظامی حکومت، افغان ها را مورد ضرب و شتم قرار داده و خانه های آنان را به آتش کشیدند، به طوری که تعدادی از آنان سوخته و مجروح شدند. همچنین در محله قاسم آباد شهریار، تعدادی مزدور موتور سوار با چهره های پوشیده با قمه و چوب به افغان های ساکن آنجا حمله برده و تعدادی از آنان را وحشیانه مجروح کردند. نمونه دیگر در محله عشق آباد اصفهان می باشد که مزدوران رژیم با حمله به یک پناهجوی افغان او را از ناحیه سر بطرز فجیعی مجروح کردند بطوریکه مادرش پس از ضرب و شتم پسرش سکنه کرد و هر دوی آنان راهی بیمارستان شدند.

افغانستان یکی از بالاترین تعداد مهاجران را در سطح جهان دارا می باشد. این مهاجران به میل خود ترک وطن نکرده اند. شرح حال اینان همان است که برتولت برشت سروده است:

"اما،

**ما به میل خود جلای وطن نکرده ایم
تا وطن دیگری اختیار کنیم
و نیز به سرزمینی نیامده ایم
که همواره ماندگار باشیم
بلکه**

ما، گریختگانیم، ما متواریانیم."

با تحمل همه این جنایات مصائب، هنگامی که برخی افغانهای محروم ستمدیده در آرزوی دسترسی به یک محل امن، خود را با هزار بدبختی به کشورهای همسایه ای نظیر ایران رسانده اند، تازه وارد یک جهنم دیگر شده اند که توسط سرمایه داران حاکم بر ایران و رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی برایشان آماده شده است. کارگران و مهاجرین و پناهجویان افغان در طول دهها سال اقامت در ایران از محدودیت ها، تحقیرها، و بی حقوقی های زیادی رنج می برند که می توان در اینجا به چند نمونه آن اشاره کرد.

کارگران مهاجر افغان در ایران از قانون کار و بیمه درمان و اجتماعی بی بهره می باشند و همچنین حداقل دستمزد برای آنان وجود ندارد. این کارگران حق کار در سازمان های دولتی را ندارند و در بسیاری از کارخانه های بزرگ صنعتی مانند ذوب آهن، فولاد، پتروشیمی و غیره اجازه کار به آنان داده نمی شود. به این دلیل کارگران افغان بیشتر دارای شغل هایی مانند کارگر ساختمانی، کارگر کوره پزخانه، کار در چاه کنی، کار در مزارع، کارهای نظافتی و کار در خانه و غیره هستند.

از محدودیت ها و تبعیض های دیگر می توان به فرزندان مهاجران افغان که در ایران متولد می شوند، اشاره کرد. به این فرزندان تابعیت ایرانی تعلق نمی گیرد و همچنان مهاجر محسوب می گردند. حتی بسیاری از کودکان که از مادرهای ایرانی متولد شده اند دارای شناسنامه نمی باشند. بخش بسیاری از کودکان افغانستان در ایران را کودکان کار تشکیل می دهند که منبع در آمد خانواده شان هستند. از محدودیت های دیگر اجتماعی امتناع مدارس از ثبت نام بسیاری از کودکان افغان می باشد که آنان را از آموزش باز می دارند. از تبعیض های رایج دیگر می توان به پرداخت نشدن و کم کردن دستمزد آنان توسط کارفرمایان زالو صفت اشاره کرد مهاجرین افغان اجازه مسافرت آزاد در ایران را ندارند و حتی کسانی که دارای کارت اقامت می باشند از ورود به ۱۵ استان کشور محروم می باشند. دانشجویان و یا افرادی از مردم افغانستان که دارای مدارک قانونی رژیم می باشند نمی توانند از کارت بانکی استفاده کنند. از جمله تبعیضات دیگر می توان به ممنوعیت ورود افغانها به برخی از اماکن عمومی مانند پارک ها و تفریح

قرارگرفته و کشتار و خونریزی و غارتگری توسط این قدرتها در آن ادامه داشته است. در واقع، از زمانی که امپریالیسم امریکا به بهانه حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، کشور افغانستان را مورد تهاجم نظامی خود قرار داده، روزی نیست که این قدرت امپریالیستی و غارتگر و متحدینش و مزدوران داخلی شان، که خود، ساخته امپریالیست ها می باشند جنایتی در این کشور نیافریده باشند و هزاران غیر نظامی افغان از زنان، کودکان، و سالمندان به دست نیروهای متجاوزگر و ارتجاعی به قتل نرسیده باشند. یکی از نمونه های آن کشتار روستائیان در منطقه پنجوایی در استان قندهار می باشد. در جریان این کشتار نیروهای اشغالگر آمریکا با وحشی گری تمام به قتل عام کودکان، زنان و مردان بی گناه در این منطقه پرداخته و اجساد آنها را سوزاندند.

همچنین باید به بیماران درمانگاه پزشکان بدون مرز در قندوز افغانستان توسط هواپیماهای آمریکایی اشاره کرد که باعث قتل عام عده ای از دکترها، پرستارها، کارمندان و بیماران بیمارستان گردید. این جنایتی بود که مزدوران امپریالیسم آمریکا به بهانه از بین بردن طالبان مرتکب شدند.

امروز امپریالیسم امریکا و نیروهای نظامی اش و ناتو پس از جنایت های وحشیانه در افغانستان سناریوی جدید دیگری که هدف آن تقویت و قدرت گیری طالبان در منطقه می باشد را در دستور کار خود قرار داده اند و قلاده سگ های زنجیری خود یعنی طالبان را برای اهداف و مقاصد استثمارگرانه و سرکوبگرانه باز گذاشته اند. آنچه که امروز در افغانستان می گذرد حاصل سال ها سیاست تجاوزگرانه آشکار امپریالیسم امریکایا متحدینش می باشد که با خونریزی به نام مبارزه با تروریسم و برقراری دموکراسی و آزادی، مردم تحت ستم افغانستان را به خاک و خون کشانده اند. بر این مینا امروز زندگی رنجدیده مردم افغانستان در معرض یکی از وحشیانه ترین یورش های دشمنان خارجی و داخلی قرار گرفته است. وضعیت اسفناک زندگی مردم افغانستان که از طریق مزدوران طالبان به مردم تحمیل شده در واقع حاصل سیاست های ضد مردمی امپریالیست ها در منطقه است که در میان آنها امپریالیسم آمریکا نقش ویژه دارد.

حکومت طالبان این دست پرورده امپریالیسم امریکا در ادامه قتل و عام مردم ستمدیده افغانستان با کشتار دانشجویان دختر در مدارس و دانشگاه ها، به اسارت گرفتن زنان و کودکان، آوارگی، جنگ، بی خانمانی و جنایات بی رحمانه دیگر به اجرای فرامین اربابان خود پرداخته است. از این رو مردم زحمتکش افغانستان سال هاست با جنایت های وحشیانه و ضد انسانی مزدوران طالبان به ویژه علیه زنان و کودکان دختر، شکنجه و اعدام جوانان، ربودن دختران و به بردگی کشاندن آنان و هزاران مصائب و مشکلات دیگر دست به گریبانند. بی دلیل نیست که کشور

گاهها اشاره کرد که هیچ فرقی با سیاستهای فاشیستی و نژادپرستانه جلاذانی نظیر هیتلر و نازی ها ندارد! شرایط اسفناک و هولناک زندگی افغان ها در به اصطلاح اردوگاه های نگه داری از پناهندگان غیرقانونی مورد دیگری ست که حتی تصور آن لرزه بر تن انسان می اندازد. از طرف دیگر، برغم تمامی محدودیتهای غیر انسانی که بر ستمدیدگان افغان در ایران اعمال می شود، تا آنجا که به سیاستهای ضدانقلابی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی باز میگردد، این حکومت در مقاطع مختلف از افغان ها در گردان های نظامی و اهداف جنگی خود استفاده نموده و آنان را به مثابه گوشت دم توپ مورد سوء استفاده قرار داده است. نمونه های ذکر شده در فوق تنها جزئی از قوانین ضد بشری و رفتار نژادپرستانه و فاشیستی جمهوری اسلامی در قبال کارگران و مهاجرین افغان را آشکار می سازد. امروز حاکمان مرتجع جمهوری اسلامی کارزار گسترده و وسیعی را علیه گریختگان و متواریان افغانی مقیم ایران به راه انداخته و چهره کریه و ددمنش خود را بیشتر به نمایش گذاشته اند.

رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی برای غلبه بر ناتوانی های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی خود، کارگران افغان را مسئول رشد ناامنی، گسترش دزدی و جنایت، بیکاری، فساد و مشکلات دیگر قلمداد می کند. آنهم در شرایطی که سرمایه داران زالو صفت حاکم سالهاست از قتل کارگران زحمتکش افغان به عنوان یک لشکر ذخیره کار ارزان جیب های خود را پر می کنند. در همان حال این رژیم میلیونها دلار از مجامع بین المللی برای بااصلاح میزبانی از مهاجرین افغان دریافت می کند.

واقعیت این است که کارگران و زحمتکشان افغان بخشی جدایی ناپذیر از کارگران و مردم ایران را تشکیل می دهند و حق طبیعی آنان است که در هر کجای ایران زندگی کنند و از خدمات اجتماعی، بهداشتی و غیره بهره مند باشند. اما مسلم است که تا وقتی که رژیم دیکتاتور جمهوری اسلامی بر اریکه قدرت قرار دارد، توده های زحمتکش و ستمدیده افغانستان از سرکوب، تحقیر، استثمار و مصائب دیگر رهایی نخواهند یافت. این رژیم های دست نشانده توسط امپریالیستها در ایران و افغانستان هستند که زندگی را برای ستمدیدگان ایران و افغانستان به جهنمی تبدیل کرده اند. در نتیجه تنها راه رهایی همه زحمتکشان و ستمدیدگان افغان در ایران مبارزه مشترک با هم طبقه ای های خود علیه رژیم های وابسته به امپریالیسم در ایران و افغانستان جهت سرنگونی آنها و رهایی از سلطه امپریالیسم می باشد.

**برقرارباد همبستگی خلق های ایران
و افغانستان علیه دشمنان
مشترک شان**

**نگ و نفرت بر سیاست های افغان
ستیزی جمهوری اسلامی ایران
اکبر نورزی- آبان ۱۴۰۲**

برادران خود و نسل جوان در ایران بسیار حساسیت نشان می‌دادند.

این تظاهرات در مدت دو ساعت در خیابان‌های مرکزی استکهلم ادامه یافته و سپس در خلال نزدیک به دو ساعت جمعیت به چندین سخنرانی و همچنین برنامه های موزیک که توسط گروه فلسطینی - سوئدی "کوفیا" اجرا شد گوش فرا داد. این مراسم در ساعت ۴ بعدازظهر در مقابل مجلس سوئد پایان یافت.

نابود باد امپریالیسم و صهیونیسم دشمنان اصلی خلقهای خاورمیانه!

**زنده باد مبارزات و مقاومت خلق فلسطین در مقابل اشغالگران اسرائیلی و حامیان امپریالیستش!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و مزدوران رنگارنگش در فلسطین!**

سازمان هواداران چریکهای فدایی خلق ایران در سوئد- استکهلم- ۶ نوامبر ۲۰۲۲

گزارشی از یک آکسیون مبارزاتی در هلند



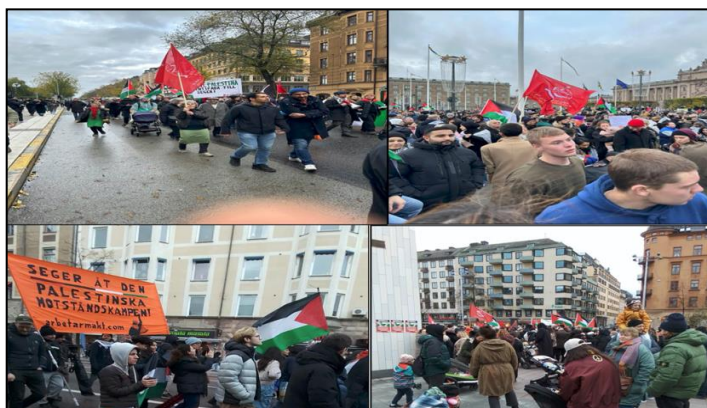
امروز ۴ نوامبر ۲۰۲۲ به دعوت "کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران-هلند" که فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند بخشی از آن هستند یک آکسیون مبارزاتی در حمایت از مبارزات مردم ایران و همچنین دفاع از حقوق بر حق مردم فلسطین در مقابل امپریالیستها و صهیونیستها در میدان دام آمستردام برگزار شد. این آکسیون به عنوان "به یاد آبان خونین، در دفاع از زندانیان سیاسی و برای محکوم کردن جنایات اخیر دولت اسرائیل علیه فلسطینیان" برگزار شد. در همین رابطه بنرها و پلاکاردهای مختلفی در میدان دام آمستردام قرارگرفته بود که توجه عابری را به خود جلب می کرد. در همین روز یکی از اتحادیه های کارگری هلند به نام "اف ان وی" (FNV) نیز با صدور فراخوانی از اعضای خود و مردم دعوت کرده بود که برای یک تظاهرات علیه سیاستهای اقتصادی دولت هلند در میدان دام تجمع کنند.

برغم هوای بسیار بد و بارانی رفقای کمیته ساعت ۱۱ در میدان دام تجمع کرده و آکسیون خود را آغاز کردند. در طول این آکسیون اطلاعیی های کمیته به زبانهای انگلیسی و هلندی در میان عابری پخش شد و ترانه سرودهای مبارزاتی به زبان عربی و زبانهای دیگر در حمایت از توده های محروم فلسطینی و تبلیغ همبستگی بین المللی خلقهای تحت ستم علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری پخش می شد. تعدادی از عابری با رجوع به رفقا در مورد موضوع آکسیون و مسایل دیگر سوالات و بحثهایی مطرح می کردند که توسط رفقا به آنها جواب داده می شد.

همچنین در طول حرکت خطابییه هایی به زبان انگلیسی و هلندی از بلندگو در مورد شرایط کشور ما و مبارزات مردم علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی پخش می شد که مورد توجه عابری و تجمع کنندگان در میدان قرار می گرفت.

در طول این حرکت یک گروه فلسطینی که بیشتر متشکل از زنان بودند در میدان دام حضور داشتند که در دفاع از مبارزات و مقاومت بر حق مردم فلسطین علیه جنایات اسرائیل و حامیان امپریالیستش نمایشات خیابانی اجرا کرده و گل میخک سفید به

تظاهرات در حمایت از مردم فلسطین در سوئد



در چهارچوب تظاهرات گسترده‌ای که در هفته‌های اخیر علیه لشکرکشی ارتش ضدخلق اسرائیل به غزه در شهرهای مختلف جهان صورت می‌گیرد، روز یکشنبه ۱۴ آبانماه (۵ نوامبر) به دعوت "انجمن مردم فلسطین" تظاهراتی در استکهلم سوئد برگزار شد. این تظاهرات در محکومیت جنایات دولت اسرائیل در غزه و نسل‌کشی فلسطینیان و در حمایت از حقوق برحق توده‌های فلسطین برگزار شد. هزاران نفر از مردم آگاه و نیروهای مبارز و مترقی سوئد در این روز علیه سیاست‌های تجاوزگرانه و جنگ ویرانگر اسرائیل در غزه که با حمایت آشکار دولت آمریکا و سایر امپریالیستها از دولت صهیونیست اسرائیل امکان تحقق و گسترش یافته به خیابان آمدند و امپریالیستها و صهیونیستهای جنایتکار و کودک‌کش را محکوم کردند. این تظاهرات از ساعت دوازده ظهر در میدان "اودن پلان" استکهلم با تجمع تظاهرکنندگان شروع شد. هدف این تظاهرات اعلام حمایت از مردم ستمدیده فلسطین در مقابل جنایات صهیونیستها در غزه و محکوم کردن حمایت امپریالیستها و ناتو از تجاوز آشکار و کشتار هولناک خلق فلسطین توسط اسرائیل بود. تظاهرکنندگان خواهان توقف فوری جنگ بربرمنشانه و جنایتکارانه دولت اسرائیل علیه توده‌های محروم فلسطینی و برقراری یک آتش‌بس فوری بودند. هزاران نفر از ملیت‌های مختلف در این تظاهرات شرکت داشتند. بخش عمده شرکت کنندگان جوان‌هایی بودند که با شعار ضرورت آزادی مردم فلسطین از ظلم و ستم صهیونیستها و برای یک فلسطین آزاد به صف تظاهرات پیوسته بودند.

در بخش سخنرانی‌ها نیروها و افراد مختلفی با طرح شعارها و نظراتی پیرامون ضرورت ارسال کمک فوری به فلسطینیان و محکوم کردن کشتار بچه‌ها و زنان و فلسطینی‌های در حال فرار و بمباران کردن خانه‌ها و مخفیگاه‌ها و بیمارستان‌ها توسط ارتش متجاوز صهیونیستی با حاضرین سخن گفتند. پس از سخنرانی‌های جمعیت به راه افتاد و مردم با سردادن شعارهایی نظیر "ناتیا هو قاتله، بایدن قاتله، کریسترسون قاتله!" خشم و نفرت خود را از جنایات اسرائیل در کشتار فلسطینیان و همچنین از حمایت مقامات سوئد و سایر امپریالیستها از این جنایات نشان دادند. تظاهرکنندگان همچنین با فریادهای خود، خواهان "همبستگی بین‌المللی کارگران" و مبارزات متحدانه آنها می‌شدند و این شعار را نیز مرتباً تکرار می‌کردند. یکی دیگر از شعارهایی که وسیعاً سر داده می‌شد این بود: "هیچ اسلحه و هیچ کمکی به اسرائیل نباید ارسال شود". در رابطه با این شعار بحثی در بین تظاهرات‌کنندگان جاری بود که مطابق آن شماری از مردم معتقد بودند که سوئد اصلاً نباید هیچ اسلحه‌ای در هیچ نقطه‌ای از جهان بفروشد، چرا که فروش اسلحه به معنی گسترش جنگ و کشتار است. در طول تجمع و تظاهرات سرودهای انقلابی فلسطینی متعددی پخش می‌شد.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران با حمل پرچم و آرم سازمان در این تظاهرات شرکت داشتند و به سوالات متعددی از سوی مردم راجع به مواضع سیاسی سازمان پاسخ می‌دادند. برخی از زنان سوئدی از کشته شدن آرمیتا توسط رژیم کودک‌کش جمهوری اسلامی بسیار ناراحت بودند و نسبت به سرنوشت خواهران و

میلیتاریسم و مسلمانان و یهودیان مخالف صهیونیسم و ... شرکت کرده بودند. این تظاهرات پس از تظاهراتی که در سال ۲۰۰۳ با شرکت حدود دو میلیون نفر از مردم انگلستان علیه لشکرکشی امپریالیست ها به عراق برگزار شده بود بزرگترین تظاهرات مردمی در سال های اخیر در انگلستان بوده است.

در طول این تظاهرات شعارهای بسیار متنوعی در محکومیت رژیم آپارتاید حاکم بر اسرائیل و جنایات آن علیه مردم فلسطین و سکوت امپریالیست های غربی در برابر نسل کشی مردم در غزه سر داده شد. از جمله "به اشغال فلسطین پایان دهید"، "بمباران کودکان در غزه را متوقف کنید"، "فلسطین آزاد باید گردد"، "ما هیچگاه غزه را تنها نخواهیم گذارد"، "مردم فلسطین آزادی می خواهند"، "آتش بس فوری در غزه"، "شرم بر ریشی سوناک (نخست وزیر انگلستان)"، "شرم بر بی بی سی"، "برقراری صلح بدون برقراری عدالت غیر ممکن است" و

در حرکت امروز شمار جوانان و نوجوانان شرکت کننده از هر نژاد و ملیت که برای حمایت از آرمان ها و خواست های برحق مردم فلسطین و علیه دولت اسرائیل در این تظاهرات شرکت کرده بودند بسیار چشمگیر بود. همچنین تعداد بسیار زیادی از یهودیان با حمل پرچم و پلاکاردهایی ضمن محکوم کردن دولت اسرائیل و سیاست های اشغالگرانه این دولت در طول ۷۵ سال اخیر خواهانه حمایت از مردم فلسطین و همچنین وحدت بین مردم یهود و مسلمان ساکن منطقه علیه صهیونیست ها شده بودند.

صف حرکتی تظاهرکنندگان بسیار طولانی بود و شمار بسیار زیادی از نیروهای پلیس در مسیر حرکت ایستاده بودند که در برخی موارد به بهانه سرداده شدن شعارهای ضد اسرائیلی ضمن درگیری با تظاهر کنندگان چند تن از آنان را مورد ضرب و شتم قرار داده و دستگیر کردند.

این تظاهرات در ساعت ۱۲ ظهر در مقابل ایستگاه قطار زیر زمینی "Embankment" و پارکی که در کنار این ایستگاه قرار دارد آغاز و جمعیت پس از چند ساعت راهپیمایی و تجمع در نزدیکی میدان ترافگار اسکوتر و خیابان پارلمان انگلستان به حرکت خود پایان داد.

**جنگ علیه مردم غزه فوراً باید متوقف شود!
پیروز باد مبارزات مردم فلسطین!**

**فعالین چریکهای فدائی خلق ایران در لندن!
۶ آبان ۱۴۰۲ برابر با ۲۸ اکتبر ۲۰۲۳**



نشانه صلح خواهی در میان جمعیت پخش می کردند. در یکی از این نمایشات آنها صحنه‌هایی از قتل عام کودکان در غزه را به نمایش گذاشتند.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران نیز با برپایی میز کتاب و آرم سازمان فعالان در این آکسیون مبارزاتی شرکت داشتند. تعدادی از بازدید کنندگان از محل آکسیون در کنار آرم سازمان عکس می‌گرفتند. به رغم هوای بسیار بارانی و باد شدید این آکسیون که از ساعت ۱۱ صبح شروع شده بود تا ساعت ۲/۵ بعد از ظهر ادامه یافت و با موفقیت به کار خود پایان داد.

نابود باد صهیونیسم و امپریالیسم دشمنان مردم فلسطین!

**مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!**

**فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند
۲ نوامبر ۲۰۲۳**

گزارشی از بزرگترین تظاهرات در حمایت از

مردم فلسطین در لندن



در اعتراض به تداوم جنایات وحشیانه رژیم اشغالگر و فاشیست اسرائیل علیه مردم فلسطین بعد از ظهر امروز تظاهرات بسیار بزرگی در شهر لندن برگزار شد. در این تظاهرات که توسط گروه های ضد جنگ سازمان داده شده بود بنا به اخبار منتشره و مبتنی بر ارزیابی های تاکنونی حدود نیم میلیون تن از مردم آزادخواه، اتحادیه های کارگری، گروه های چپ ضد جنگ و ضد

گرامی باد ۱۳ آبان، روز دانش آموز!

۱۳ آبان روز دانش آموز می باشد؛ روزی است که دانش آموزان مبارز در سال ۵۷ و در جریان انقلاب آن سال به خیابانها ریخته و هر آنچه که نشانی از رژیم سلطنت داشت را به آتش کشیدند. اما متأسفانه با استقرار جمهوری اسلامی که خود بیانگر عدم توانایی مردم در واژگونی کل نظام سرمایه داری حاکم برجامعه بود هیچگاه این رژیم ضد مردمی اجازه نداد که این روز به مثابه روز دانش آموز رسماً و انطور که شایسته گرامیداشت مبارزات دانش آموزان مبارز بود پاس داشته شود. بطوری که سردمداران جمهوری اسلامی به دنبال مضحکه اشغال سفارت آمریکا در سال ۵۸ همواره تلاش کرده اند که به بهانه سالگرد این مضحکه، روز دانش آموز را هر چه بیشتر درحاشیه قرار دهند و آن را به روز مضحکه اشغال سفارت آمریکا و به اصطلاح روز مبارزه با "استکبار جهانی" و اهداف عوامفریبانه خود تبدیل کنند، چریکهای فدایی خلق ایران فرا رسیدن این روز را به تمامی مردم ایران و بویژه دانش آموزان مبارز تبریک گفته و بر شعارها و آرمانهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک این روز تاریخی تاکید می کنند .

**گرامی باد ۱۳ آبان، روز دانش آموز! پیروز باد مبارزه
انقلابی دانش آموزان!
پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!**

شرم بر نخست وزیر، شرم بر وزیر کشور، شرم بر بی بی سی، "به نسل کشی فلسطینیان پایان دهید"، "ریختن بمب بر سر کودکان فلسطینی باید توقف شود"، "کشاکش کودکان غزه باید پایان یابد" و ...

یکی از نکات برجسته این تظاهرات مردمی حضور تعداد بسیار زیادی از یهودیان دمکرات و آزادیخواه و ضد صهیونیست در این تظاهرات با شعارهای ضد صهیونیستی و در دفاع از حقوق دمکراتیک مردم فلسطین بود. همچنین تعداد جوانان شرکت کننده در این تظاهرات برجستگی خاصی داشت. آنها بخش اعظم تظاهرکنندگان را تشکیل می دادند. دختران و پسران نوجوان از پیشینه ها و نژادها و ملیتهای مختلف با حرارت در این حرکت شرکت کرده و علیه اشغالگری، علیه جنایات صهیونیستها، علیه حمایت قدرتهای امپریالیستی از نسل کشی فلسطینیان شعار می دادند.

برخی از مقامات دولت بریتانیا با توجه به رشد بی سابقه نفرت و خشم توده ها از سیاستهای این دولت در قبال نسل کشی فلسطینیان خواستار لغو اجازه تظاهرات شده بودند و وزیر کشور فاشیست و نژاد پرست انگلیس با بیشرمی تمام این تظاهرات را "تظاهرات نفرت پراکنانه" نامیده بود و خواستار ممنوعیت آن شده بود. با چنین فضایی بود که چند صد تن از نیروهای گروههای فاشیستی و نژاد پرست بریتانیایی خود را سازمان داده و به بخشهایی از این تظاهرات حمله کرده و با پلیس درگیر شدند. این مساله خشم عمومی علیه سیاستهای دولت حاکم را افزونی بخشیده و صداهاى خواهان استعفای وزیر کشور را هر چه فوی تر ساخت.

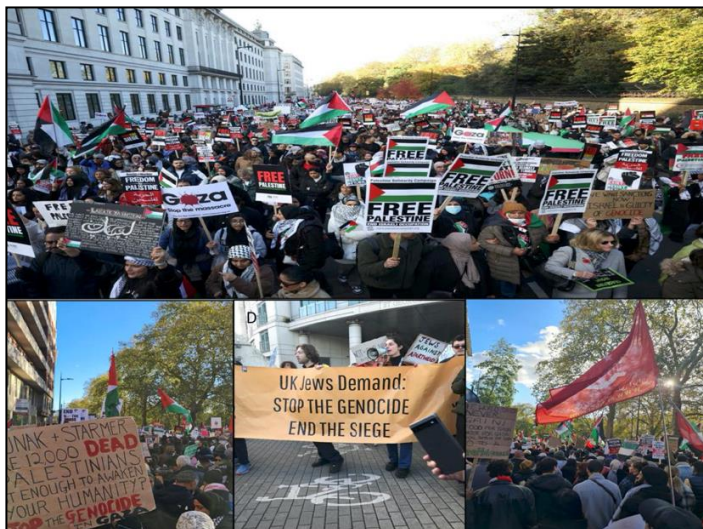
این تظاهرات در مقابل سفارت آمریکا در لندن که به طور بی سابقه ای توسط پلیس بریتانیا حفاظت می شد به پایان رسید. بنا به گزارش پلیس بریتانیا بیش از ۳۰۰ هزار تن در این تظاهرات شرکت کردند اما برخی منابع دیگر از حضور یک میلیون تن از مردم بریتانیا در این تظاهرات در دفاع از مردم فلسطینی سخن می گویند.

زنده باد مقاومت دلیرانه مردم فلسطین علیه امپریالیستها و صهیونیستها و کارگزارانشان!

مرگ بر دولت اشغالگر اسرائیل و حامیان امپریالیستش!
هر چه مستحکمتر باد همبستگی بین المللی در حمایت از توده های رنج دیده فلسطینی!

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن
۱۲ نوامبر ۲۰۲۳

انگلستان: گزارشی از بزرگترین تظاهرات در اعتراض به جنایات صهیونیستها علیه مردم فلسطین



روز شنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۲۳ انگلستان شاهد بزرگترین تظاهرات توده ای ماههای اخیر در محکومیت لشکر کشی جنایتکارانه دولت اسرائیل به غزه و نسل کشی توده های محروم فلسطین و در دفاع از حق آزاد زیستن خلق فلسطین بود.

در این روز صد ها هزار تن از مردم آزادیخواه، اتحادیه های کارگری، نیروهای چپ و دمکرات و توده های آگاه این کشور در نزدیکی "هایدپارک" لندن گردآمدند و برای رساندن صدای حق طلبانه خود به مقامات دولت انگلیس و سایر قدرتهای امپریالیستی که حامی صهیونیستهای اسرائیلی در این جنایت هستند و همچنین نیرو های مترقی جهان به سوی سفارت آمریکا در لندن به راه افتادند.

به دلیل تراکم و تعداد بسیار زیاد جمعیت، حرکت تظاهرکنندگان با کندی بسیار زیادی صورت می گرفت. شعارهای اصلی این تظاهرات عظیم توده ای "آزادی فلسطین"، "قطع جنگ و آتش بس فوری"، "ارسال کمک های ضروری به غزه" و شناسایی حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین بود. شعارها بسیار زیاد دیگری در قسمتهای مختلف تظاهرات سر داده می شد که برخی از آنها به شرح زیر بودند: "جو بایدن، ریشی سوناک (نخست وزیر انگلیس) کی بر استارمر (رهبر حزب کارگر انگلیس) ببینید که چگونه فلسطین آزاد خواهد شد"، "ما در صفوف میلیونی، همه فلسطینی هستیم"، "اشغال باید پایان پیدا کند"، "حکومت اسرائیل، یک حکومت تروریستی ست"،

آدرس پست الکترونیک

E-mail: ipfg@hotmail.com

فیس بوک سازمان

Siahkal Fadaye

کانال تلگرام

@BazrhayeMandegar

اینستاگرام

BazrhayeMandegar2

برای تماس با

چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM BOX 5051
LONDON WC1N 3XX
ENGLAND

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

www.siahkal.com

از صفحه رفیق اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

www.ashrafdehghani.com

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!